

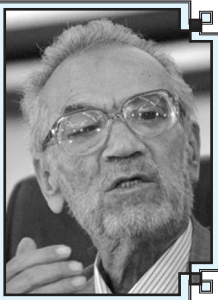
«...دعواهای ما دعوائی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می‌کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



خاطراتی از دکتر علی شریعتمداری

بخش پایانی



سال سی و هفتم ♦ شماره ۲۳ ♦ شماره مسلسل ۱۵۴۱ ♦ نیمه اول اسفند ماه ۱۳۹۵ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

گفتگو با دکتر سیدمصطفی محقق داماد

قرآن شناخت اثر پر جاذبه‌ای است

منوچهر دین‌پرست

اشاره: کتاب The Study Quran که به تازگی دکتر سیدحسین نصر منتشر کرده اثری مهم و رویدادی شایان تأمل در جهان اسلام است. این اثر ترجمه و تفسیر قرآن به زبان انگلیسی است و تاکنون مورد توجه بسیاری از مسلمانان و نخبگان فرهنگی قرار گرفته و به زبان‌های مختلف در دست ترجمه است. گفتگوی زیر که در ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت به چاپ رسیده، در همین باره است.

شما چه ارزیابی از ترجمه دکتر نصر از قرآن دارید، به‌خصوص که تا به حال ترجمه‌های مختلفی از قرآن به انگلیسی صورت گرفته؛ این ترجمه دارای چه ویژگی است؟

کسی که می‌خواهد متنی را ترجمه کند، شرط لازم این است که هر دو زبان مبدأ و مقصد را خوب بداند. چندی پیش مترجم معروفی می‌گفت من کتاب راسل را ترجمه کردم؛ وقتی آن را پیش راسل بردم، گفت: «اگر فارسی شما در حد همین گونه که انگلیسی صحبت می‌کنید خوب باشد، پس ترجمه را هم خوب انجام داده‌اید؛ من چون فارسی نمی‌دانم، نمی‌توانم در مورد ترجمه فارسی قضاوت کنم» این حرف حکیمانه‌ای است. برای ترجمه باید تسلط بسیار خوب و قوی بر هر دو زبان داشت. واقعیت این است که دکتر نصر در زبان انگلیسی فرد کم‌نظیری است و انگلیسی فصیح را به‌خوبی می‌نویسد و سخن می‌گوید. از دایی مرحوم دکتر مهدی حائری یزدی شنیدم که غربی‌ها به دکتر نصر می‌گویند Golden Tounge، یعنی «زبان طلایی»! ایشان فارسی را بسیار خوب، آرام و روان و فصیح صحبت می‌کند و الفاظ کم نمی‌آورد. در انگلیسی هم به چنین است و کسی را ندیده‌ام که به متن انگلیسی ایشان ایراد جدی گرفته باشد. ایشان اگر خودشان متن را ترجمه می‌کردند، قطعاً بسیار فصیح می‌بود. ۱۷ مقاله هم که در انتهای کتاب آورده و مقاله بنده را هم خود ایشان ترجمه کرده، بسیار کار ارزنده‌ای است.

ادامه در صفحه ۲

تحلیل ماهیت انقلاب اسلامی در گفت‌وگو با آیت‌الله سیدمحمد موسوی‌بجنوردی

روزنامه ایران در بازخوانی انقلاب در این مصاحبه صرفاً بر آرمان‌های امام (ره)، به‌عنوان شخصیت اول انقلاب، متمرکز شویم و برای این منظور با آیت‌الله سیدمحمد موسوی‌بجنوردی به گفت‌وگو نشستیم. او سال‌های زیادی در نجف و پاریس در محضر امام (ره) حضور داشته و از نزدیک شاهد تلاش‌ها و دغدغه‌های حضرت امام (ره) در جریان پیروزی انقلاب بوده است. او هم‌اکنون ریاست دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی را برعهده دارد. آنچه در ادامه می‌آید ماحصل این گفت‌وگو است که می‌خوانید.

آیت‌الله بجنوردی، شما در سال ۵۷ از نجف به ایران آمدید؛ یعنی در واقع در سال‌هایی که امام (ره) در تبعید بودند، شما با ایشان همراه بودید؛ با توجه به رابطه نزدیکی که با حضرت امام (ره) داشتید، می‌خواهیم طرح‌هایی را که ایشان در جریان انقلاب دنبال می‌کردند، از زبان شما بشنویم؟

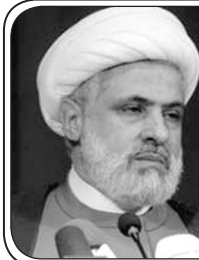
من در پاریس و در نوفل‌لوشاتو با امام (ره) همراه بودم. آن زمان ایشان درگیر تدریس «مسأله جمهوری اسلامی» بودند و من چهارده سال در درس ایشان با عنوان «حکومت اسلامی» در نجف حضور داشتم. ایشان در این درس، به تدریس مبانی جمهوری اسلامی می‌پرداختند و معتقد بودند حکومتی که براساس نظام اسلامی تشکیل می‌شود باید قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌هایش، براساس مژ اسلام باشد. حاصل این کلاس‌ها، امروز تحت عنوان کتاب «حکومت اسلامی» چاپ شده و به زبان عربی نیز ترجمه شده است، من نیز در ترجمه آن سهمی داشتم. امام (ره) در این کتاب، تمام خصوصیات یک نظام اسلامی را بیان کردند؛ اینکه یک حکومت اسلامی ضمن آنکه باید بر عدالت اجتماعی مبتنی باشد باید تمام قوانین آن نیز برآمده از کتاب و سنت و مصالح مردم باشد.

ادامه در صفحه ۳

شیخ نعیم قاسم عنوان کرد:

تلاش عربستان برای بقای «اسرائیل»

صفحه ۶



یادی از شهید عبدالله میثمی

صفحه ۳



انتشار جدیدترین شماره «خیمه» با موضوع دهه‌های عزاداری

صفحه ۸

آیت‌الله اراکی:

استمرار نبوت با حضرت زهرا علیها السلام و اهل بیت علیهم السلام صورت گرفت

صفحه ۷



گزارشی جامع درباره کتابخانه آستان حضرت معصومه علیها السلام

صفحه ۸



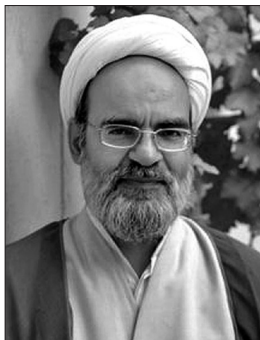
مراسم تودیع و معارفه ریاست دانشگاه مذاهب اسلامی

صفحه ۷

اهمیت شیخ فضل‌الله نوری به روایت دکتر داوری اردکانی

حجت الاسلام منذر نگاه پدیدارشناسانه به تاریخ داشت

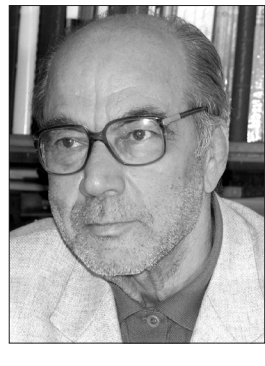
مقصود، انصاف و راستگویی است، مورخ باید راستگو و امانتدار باشد، اما اگر این‌گونه تلقی شود که مورخ نباید تعلق داشته باشد، در علم، بی‌تعلق شدنی نیست. همه اهل علم، حتی علمای علوم طبیعی، به مطلب مورد پژوهش خود تعلق خاطر دارند یا به‌طور کلی تعلق خاطر دارند.



در علوم انسانی بی‌تعلق بودن برای عالم معنی ندارد. پژوهشگری که بی‌تعلق است، حداکثر می‌تواند مجموعه‌ای از اطلاعات و آمار و اسناد را گردآوری کند و هدف، معلوم نیست. مورخ هم تعلق خاطر دارد و اگر به تاریخ مراجعه کنید، همه مورخان بزرگ تعلق خاطر داشته‌اند. بیهقی اگر تعلق خاطر نداشت، سرنوشت دیگری می‌داشت. مرحوم ابوالحسنی هم تعلق خاطر داشت، اما مورخ امینی بود. درست می‌نوشت. تعلق خاطر داشتن به معنی تحریف کردن نیست. مرحوم ابوالحسنی هر چه در تاریخ نوشته، مسئله و مطلبی در باره اسلام بوده و گفته است که چیزی را به اسلام و دین ننیدیم و دین را به چیزی که به آن ارتباط ندارد، ملحق نکنیم. لازمه این کار نگاه پدیدارشناسانه به تاریخ بود. ایشان بعدها فلسفه خواند، اما هنگامی که شروع به تاریخ‌نگاری کرد، فلسفه نخوانده بود، اما نگاه پدیدارشناسانه‌ای به تاریخ داشت. حادثه‌ای که اتفاق می‌افتد آثار و نتایجی دارد و باید از خود سؤال کنیم برای اعتقادات و عالم ما چه ارمغانی می‌آورد و چه چیزهایی را می‌برد؟ مورخ باید چنین پرسشی را مطرح کند و اگر این سؤال را نپرسد، معنی حادثه را نمی‌فهمد و مورخی که معنی یک حادثه را نفهمد، شرح آن حادثه برایش دشوار می‌شود.

بنابراین بی‌نظری مورخ به معنای راستگویی است و نه به معنای بی‌تعلقی، زیرا انسان بی‌تعلق، قدم در راه کمال نمی‌گذارد و به کمال نمی‌رسد.

ادامه در صفحه ۵



دکتر رضا داوری اردکانی رییس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی: سی سال پیش که مرحوم ابوالحسنی را دیدم که روحانی بودند، اما در زی روحانیت نبودند، ملاقات کردم، هرگز تصورش را هم نمی‌کردم که روزی دریغاگوی ایشان باشم، ولی حکم این چنین بوده است. آشنایی من با مرحوم

آقای ابوالحسنی این‌طور اتفاق افتاد که شبی مرحوم آقای لنکرانی به من تلفن کردند که من باید شما را ببینم و توضیح دادم که نمی‌توانم از منزل بیرون بیایم و چاره‌ای نیست جز اینکه من خدمتشان برسم. بعد با این تعبیر گفتند که یکی از دوستان من می‌آیند و شما را به منزل من می‌آورند. وقتی آقای ابوالحسنی آمدند، من دیدم ایشان خیلی جوان هستند و آقای لنکرانی حدود ۹۵ سال سن داشتند. پرسیدم: «شما دوست آقای لنکرانی هستید؟» گفتند: «نه، من شاگرد ایشان هستم». در راه که می‌رفتم، کم‌کم حس کردم که این جوان، پیر است. آن روز نمی‌توانستم پیش‌بینی کنم که مورخ نامداری می‌شود که امروز این‌گونه از او تجلیل می‌شود. ارتباط ما پنج شش سالی ادامه داشت و بعد ایشان همه وقتشان را صرف مطالعه کردند و توفیق زیارتشان کمتر دست می‌داد، اما گاهی مطالبی را که داشتند و فکر می‌کردند به درد من می‌خورد، برایم می‌فرستادند. برای من بسیار مهم بود که بدانم درک ادیب پیشاوری از سیاست زمان خود، یعنی دهه ۳۰ چگونه بوده است. درک عمومی امروز ما و جهان از امریکا با درک افراد در دهه ۲۰ و ۳۰ میلادی بسیار متفاوت است. درک افراد دراک چیز دیگری است و درک عمومی حساب دیگری دارد.

مرحوم ابوالحسنی انسان بزرگی بود، لکن من از شخص سخن نمی‌گویم و از ویژگی‌های شخصیتی و علمی ایشان سخن نمی‌گویم. در تاریخ‌نویسی گفته می‌شود که مورخ باید بی‌نظر باشد، اما باید در معنی بی‌نظری در تاریخ دقت کرد. اگر

ادامه از صفحه اول

در مورد تفسیر قرآن باید بگویم که جرقه چنین کاری را من زدم؛ در صحبتی که ۱۵ یا ۲۰ سال پیش در آمریکا درباره ترجمه و تفسیر قرآن داشتم، به ایشان پیشنهاد ترجمه میزان به انگلیسی را دادم؛ اما دکتر نصر موافق نبودند که کل میزان ترجمه شود؛ چراکه این کتاب برای محیط غربی نوشته نشده است. ایشان گفتند که یا باید تلخیصی از میزان داشته باشیم و یا اینکه چیزی را خودمان تألیف کنیم و آن را به انگلیسی ترجمه کنیم. ظاهراً در تفسیر «قرآن‌شناخت» حدود چهل تفسیر قرآن را انتخاب کرده‌اند و گزیده‌ای از آنها را آورده‌اند؛ گزینشی کاملاً فنی. در ترجمه آیات هم دکتر نصر آن را تحریک‌آمیز فرقه‌ای انجام نداده است؛ یعنی ممکن است که کسی ترجمه‌ای انجام دهد و گروهی از فرقه‌های اسلامی را علیه گروهی دیگر تحریک کند. تفسیرها نیز همین‌گونه است. بسیاری از تفاسیر زیدی، شیعی، حنفی و سلفی است. ایشان دقت کرده‌اند که این‌گونه نباشد و تفسیرشان همه گروه‌پسند باشد. البته از کسانی شنیده‌ام که منتقد کتاب دکتر نصر، سلفی‌ها هستند. آنها معتقدند که این است و جز این نیست، حرف خودشان صحیح است و حرف دیگران همه باطل! اینها سالهای سال است که ترجمه‌های خودشان را به جهان اسلام تحمیل کرده‌اند و با ترجمه دکترنصر مخالفند که مبدا جای آنها را بگیرد و جاذبه‌ای برای جهان اسلام به وجود آورد. به هر حال این اثر در جهان اسلام پخش شده و تا جایی که خبر دارم، استقبال هم خوب بوده است.

ترجمه قرآن‌شناخت را در برابر دیگر ترجمه‌های انگلیسی زبان چطور می‌بینید؟
من متخصص زبان انگلیسی و ترجمه‌های قرآن نیستم و در حد آشنایی‌ام باید بگویم که «قرآن‌شناخت» ترجمه پر جاذبه‌ای است. یکی از مشکلات در ترجمه‌ها، آیات‌الاحکام است. در ترجمه‌های فارسی بسیاری از افراد در آیات‌الاحکام اشتباه کرده‌اند، به این دلیل که فقیه نبوده‌اند. کسی که آیات‌الاحکام را ترجمه می‌کند، باید آشنایی کامل با فقه داشته باشد. در انگلیسی هم

در چند ترجمه‌ای که دیده‌ام، این اشتباه رخ داده است؛ مثلاً در قرآن «ثیبات و ابکارا» آمده است. ثیب در برابر دوشیزه است (دختری که شوهر نکرده). ثیب شوهر کرده، ولی الان یا شوهرش فوت کرده یا طلاقش داده است. این خانم دوشیزه نیست. عده‌ای «ثیب» را ترجمه کرده‌اند Widow، یعنی بیوه. بیوه یعنی کسی که شوهر ندارد و این به معنای باکره بودن هم نیست. اگر ترجمه‌های آیات‌الاحکام درست نباشد، یقیناً آثار بدی بر مخاطب می‌گذارد. در قانون مدنی این کاملاً درست آمده است. دختری که شوهر نکرده است. این به معنای زنی نیست که شوهر ندارد. اجازه دختر شوهرنکرده به دست پدرش است و او باکره است. این مثال را زدم که بدانیم در قضیه ترجمه دقت‌های بسیاری باید باشد. این نکته باعث شد که دکترنصر گفتند: «شما باید در ترجمه آیات‌الاحکام کمک کنید» که بعداً کمکی نخواستند، احتمالاً کسانی بودند که به ایشان کمک کنند. من خودم در ترجمه آیات‌الاحکام به فارسی اشتباهات بسیاری دیده‌ام چه برسد به انگلیسی!

در «قرآن‌شناخت» تفسیر هم آمده است. آیا تفسیر در غرب نمونه‌ای هم داشته یا اینکه کار بدیعی است؟

تفسیر به این صورت تا به حال نبوده و کاملاً ابداعی و نو است. این تفسیر از حدود چهل تفسیر منتخب نقل شده است. البته در فارسی هم به این شکل نبوده است. در تفاسیر فارسی هر کسی نظر خودش را گفته و فوqش از این و آن نقل کرده است؛ اما دکترنصر در این کار از جاهای مختلف شبیه کار دایره‌المعارفی نقل کرده است و ارجاع داده که چه کسی چه چیزی گفته است. این شیوه برای غربی‌ها خوب است. آنها بیشتر به منبع توجه می‌کنند. تفاسیر بسیار متفاوت است. برخی عرفانی و برخی غیر عرفانی است.

تفسیر دکتر نصر را جزء کدام یک از تفاسیر می‌دانید؟
این تفسیر اختصاصی نیست. ایشان گزیده‌ای از تفاسیر ارائه کردند.

اگر بخواهیم آن را با تفاسیر مختلف شیعه مانند میزان و سنی مانند سیدقطب مقایسه کنیم، آن را چطور ارزیابی می‌کنید؟

گفتگو با دکتر سیدمصطفی محقق داماد

قرآن‌شناخت اثر پر جاذبه‌ای است

این تفسیر با همه متفاوت است. مرحوم علامه طباطبایی خودش تفسیر کرده، سیدقطب نظر خودش را داده است؛ اما اینکه در ذیل آیه پنج تا نقل قول از دیگران آمده باشد، هیچ کدام از این تفاسیر این‌گونه نیست. آقای دکترنصر در تفسیر هیچ نظری اعمال نکرده است؛ اما در ترجمه، نظر خودش را گفته است.

دکتر نصر می‌گوید من یک تفسیر سنتی و یا به عبارتی سنت‌گرا عرضه کرده‌ام و کاری با تفاسیر مدرنیستی نداشتم. به نظر شما چرا این شیوه انجام شده است؟

برای اینکه خود آقای نصر سنت‌گراست و معتقد به تفاسیر نوین و مدرن نیست. البته درست است که ایشان سنت‌گراست، اما سنت را به زبان مدرن بیان می‌کند. در نوشته‌هایش چنین است و در ترجمه قرآن هم با نگاه سنتی کار کرده است.

دکتر نصر در «قرآن‌شناخت» یک روش پژوهشی به دست آورده‌اند که گویی مختص خودشان است. آیا می‌توانیم بگوییم که ایشان از روشهای پژوهشی دیگر مانند الهیات جدید و مطالعات کتاب مقدس تأثیر پذیرفته است؟
اسمی که ایشان برای این کار انتخاب کرده، نشان می‌دهد که الگوبرداری کرده است. عبارت The Study of Quran نه The Study of Quran. خود این ترکیب معنای خاصی دارد. Study به معنای «مطالعه» است. قرآن برای مطالعه و یا قرآن مطالعه‌ای.

خود ایشان به جای مطالعه، واژه «شناخت» را انتخاب کرده‌اند و گفته‌اند مقصود من از Study، شناخت است.

به خاطر این است که یک رشته کتاب‌هایی درباره کتب مقدس با عنوان The Study Bible موجود است؛ اما درباره قرآن تا به حال چنین کاری نبوده است. دکتر نصر از جمله کسانی است که شهرت جهانی دارد. در کنگره جهانی ادیان که همه ادیان درباره دین خودشان مقاله‌ای نوشتند، آقای دکتر نصر هم درباره اسلام مقاله تألیف کردند که بعداً شد کتاب «قلب اسلام» (The Heart of Islam) که چند بار هم به فارسی ترجمه شده است. غرض این است که ایشان می‌خواستند گزارش خوبی از یک مسأله بدهد. اکنون در دنیا اگر

کسی بخواهد گزارش خوبی درباره فلسفه ملاصدرا یا سهروردی بدهد، دکتر نصر است. گزارش از یک متفکر کار ساده‌ای نیست. کسی بخواهد تکه‌تکه از کسی چیزی بگوید، کار جالبی نیست.

قرآن‌شناخت چه تأثیری می‌تواند بر جریان قرآن‌شناسی در داخل و خارج از کشور داشته باشد؟

در خارج از کشور واقعیت این است که قرآن اکنون متأسفانه نعوذبالله بدنام شده و آن را به خشونت متهم می‌کنند! واقعا اسلام‌هراسی کار بسیار خطرناک و عجیبی است. به نظر می‌رسد که دکترنصر سعی کرده آیات را گونه‌ای ترجمه کند که این ترس از بین برود و جایگاه اسلام رحمانی و رأفت در این آیات بیشتر است. این ترجمه در چنین ایامی می‌تواند تأثیرگذار باشد.

شما خودتان هم مقاله‌ای درباره مکتب‌های فلسفی و کلامی قرآن در این کتاب نوشته‌اید و به خوبی می‌دانید که فلسفه و کلام در جهان تشیع جایگاه ویژه‌ای دارد. این مقاله چه تأثیری می‌تواند در این مجموعه ۱۷ مقاله‌ای درباره قرآن داشته باشد؟

دکتر نصر از من خواستند که در زمینه مکتب‌های کلامی و فلسفی برخاسته از قرآن مقاله‌ای بنویسم. من این کار را با استفاده از پنجاه - شصت منبع اصیل و به سبک غربی نوشتم. سبک غربی خطایی نیست. باید هر مطلبی منبعش مشخص باشد. این مقاله هنوز به فارسی ترجمه نشده و جایی چاپ نشده است.

چرا بحث کلامی و فلسفی طرح شده است، در حالی که تنها شما و دکتر نصر شیعه‌اید و باقی افراد که در این کار مطلبی نوشته‌اند، اهل تسنن هستند؟

فلسفه‌ای که در تشیع آمده، همراه با عرفان شیعی است. سیدحیدر آملی و یا ملاصدرا عارف شیعه هستند. نگاه فیلسوف و عارف شیعی با نگاه فیلسوف و عارف غیرشیعی متفاوت است. دکتر نصر تعلق ویژه‌ای به مکتب تشیع دارند و سعی داشتند نگاه شیعی را به مخاطب غربی نشان دهند؛ چراکه کلام در غرب بسیار مورد توجه است. کلام مسیحی و کلام یهودی از جمله مسائلی است که غربیان بسیار به آن توجه می‌کنند و طرح کلام شیعی برخاسته از قرآن نیز قطعاً مورد توجه است.

خودتحریمی‌های فرهنگی

ابتدای سال ۹۵ رهبری در مشهد حرف‌های بسیار آموزنده‌ای زدند و متأسفانه خیلی‌ها هنوز که هنوز است درماه‌های پایانی سال آن را اجرایی نکرده‌اند. ایشان دربخشی از سخنرانی خود فرمودند دشمن را از آنچه هست بزرگ‌تر نشان ندهیم. مثالی که رایج شده کار، کار انگلیسی‌هاست مقام معظم رهبری فرمودند این باعث می‌شود تا مردم از سایه دشمن هم بترسند و هر وقت کم می‌آوریم بگوییم کار دشمن است؛ درحالی که خیلی وقت‌ها نقص از خودماست که برای گریز به دشمن نسبت می‌دهیم. در قضیه هارپ هم مراجع علمی باید جوابیه‌های علمی بدهند. درست است در حوزه خشکسالی هستیم و باران کم شده، ولی خیلی از اینها به دلیل سوءمدیریت‌های خودماست نه دشمن.

دشمن شناسی خوب و منطقی است، اما نه اینکه همه چیز را به گردن دشمن بیندازیم و خود را محدود و تحریم کنیم. چون این رویه باعث نهادینه شدن در جامعه و در نتیجه باعث کاهش اعتماد به نفس می‌شود تا دشمن را برای مردم بزرگ‌تر از حد متصور شوند و همین مانع رشد و تکاپویمان می‌شود، بنابراین باید مراقب خود تحریمی‌های فرهنگی و علمی بود و نسبت به وقایع برخورد منطقی و درست داشت و با نگاهی متعادل قضایا را رصد کرد.

منبع: جوان آنلاین

جریان خبرسازی در کشور آزاد است و اهمیت دارد از این طریق می‌خواستند دیده شوند؛ درحالی که این اتفاق خوبی نیست، زیرا اعتبار علمی ما را در سطح جهانی زیر سؤال می‌برد.

دوست کارشناس ما گفت: «این حرف‌ها را می‌زنند چون به تازگی در یکی از کشورها اعلام شده بود قدیمی‌ترین قرآن آنجاست. فکر کنم انگلیس باشد. اینها برای اینکه بگویند ما هم قدیمی‌ترین انجیل را داریم خبرسازی کردند و از آنجا که هیچ نهادی در ایران نیست تا این موضوع را بررسی کند یک حرفی زده و منتشر شد و تمام.» بحث ارتباطات علمی ما با دنیا لازم است؛ البته احتیاط باید کرد چه آن‌که ضرباتی هم از برخی دانشگاه‌های دنیا خوردیم اما با این حال نمی‌توان خود را محدود و منزوی کرد و این انزوایی است که برخی مدیران ناتوان فرهنگی و علمی ایجاد کردند. چند وقتی است اخبار زیادی درباره پدیده‌ای به نام «هارپ» منتشر می‌شود. دستگاه‌هایی که امریکایی‌ها ساخته و تغییرات آب و هوایی ایجاد کرده و این طور گفته می‌شود که امریکا باعث تغییرات آب و هوایی ایران است.متأسفانه در کشور ما مراجع علمی آنطور که باید و شاید دراین‌باره ورود نمی‌کنند تا جواب شایعات را بدهند. هارپ ممکن است وجود داشته باشد ولی به این توانایی و قدرت نیست.

افراط و تفریط درست نیست این‌که همه را مستر همفر بدانیم (کتاب همفر از طرف تاریخدانان رد شده و جزء جعلیات تاریخی محسوب می‌شود) البته همیشه باید محتاط و زیرک بود، چراکه یکسری با نگاه غریزده و خود فروخته تا یک خارجی را می‌بینند آب از دهانشان راه می‌افتد و هرچه دارند در اختیارش قرار می‌دهند.

متأسفانه تعادل در این امور کمتر وجود داشته است. چند وقت پیش در رسانه‌های داخلی خبری منتشر شد مبنی بر این‌که قدیمی‌ترین انجیل دنیا در تبریز رونمایی شده است. دوستان مسیحیت شناس از حوزه علمیه این بحث را مطرح کردند که اگر صحت دارد باید روی آن کار کنیم اما بحث اصلی این بود که این انجیل کجاست که خبرش منتشر شده، ولی خودش نیست. یکی از دوستان که در کتابخانه ملی تبریز مسئولیت داشت پیگیر ماجرا شد و با ما تماس گرفت، گفت این کتابخانه که کتاب را رونمایی کرده است، کتابخانه رسمی حکومتی نیست، بلکه کتابخانه ملی غیررسمی و سنتی مردم است. (در تبریز دو کتابخانه ملی وجود دارد یکی سنتی و غیررسمی و دیگری رسمی و حکومتی) وقتی علت را جویا شدیم گفتند به احتمال قوی شاید کتاب وجود خارجی هم نداشته است و برای دیده شدن، خبرش را مطرح کرده‌اند و از آنجا که

چند وقت پیش محققانی از لهستان در دانشگاه آلمان درباره قدمت قرآن کار تحقیقاتی داشتند. آنها می‌خواستند قدیمی‌ترین قرآن‌های دنیا را جمع کنند و مورد آزمایش قرار دهند تا دریابند کدام قدیمی‌تر است.

یکی از جاهایی که به راحتی قرآن‌ها را در دسترسشان قرار می‌داد تا تحقیق داشته باشند ترکیه بود و متأسفانه از کشورهایی که موانع زیادی برسر راه داشتند ایران بود. این درحالی است که بنا به گفته این محققان یکی از قرآن‌های بسیار قدیمی در ایران است برای همین تصمیم گرفتند برای آزمایش به ایران بیایند و قطعات یک سانت در یک سانت را برای تحقیق بگیرند، اما درکشورمان این فرض که شما دروغگو هستید و با نگاه ضد اسلامی وارد شده‌اید باعث شد تا این ابعاد کوچک به آنها داده نشود. وقتی تحقیقات این تیم آلمانی تمام شد اعلام کردند این قرآن‌ها با چنین قدمتی در دنیا وجود دارد و حرفی از میراث کهن ایرانیان دراین باره نزدند چرا چون خود ما نخواستیم کسی بداند چه داریم و چه نداریم و با خود تحریمی فرهنگی مانع از انعکاس آن شدیم.

البته منظور این نیست که دشمن را دست‌کم بگیریم و از دشمنی آن غافل شویم، بلکه باید با نگاه درست و منطقی برخورد داشته باشیم. قطعاً

چقدر محقق شده است؟

نمی‌توان مدعی شد که آرمان‌های امام(ره) صددرصد محقق شده است، اما به طریقی در حال انجام است؛ شاگردان امام(ره) بیکار نیستند و خود رهبر معظم انقلاب اثرگذاری‌های بسیاری دارند تا این آرمان‌ها به بهترین وجه محقق شود. مرحوم آیت‌الله رفسنجانی، مرحوم شهید بهشتی و باهنر و... نیز همه تربیت شده مکتب امام(ره) بودند که سهم بسیاری در ادامه دادن راه ایشان و نهاده‌ینه کردن آرمان‌هایشان در انقلاب داشتند. واقعیت این است که ایدئولوگ نظام ما، امام(ره) است و این باور را در ملت ایران ایجاد کرد و انقلاب، نتیجه آگاه شدن مردم بود. از این رو، مبالغه نکردم اگر بگویم «مردمی‌ترین قیام» و «مردمی‌ترین نظام» جمهوری اسلامی ایران است.

از آیت‌الله رفسنجانی به‌عنوان شخصی اثرگذار در جریان انقلاب یاد کردید، با توجه به اینکه این روزها در فقدان ایشان به سر می‌بریم، نقش او را به‌عنوان یکی از شاگردان معتمد امام(ره) و یار ایشان در جریان انقلاب، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آیت‌الله رفسنجانی انقلابی دیروز و امروز نیست. سال‌ها پیش از انقلاب فعالیت می‌کرد و بارها به زندان رفته بود. شکنجه شد و حتی به حکم اعدام رسید. امام خمینی(ره) به ایشان بسیار علاقه و وثوق داشتند و آن زمان که من در نجف در محضر امام(ره) بودم کاملاً این را احساس می‌کردم. رهبر معظم انقلاب هم همینطور. اینها سال‌ها است که انقلابی هستند.

به اعتقاد شما، انقلاب را چطور باید به نسل چهارم آن، معرفی کنیم؟

با زنده نگه‌داشتن آرمان‌های امام(ره)، انقلاب هم زنده است. بنابراین، برای زنده ماندن آن آرمان‌ها، باید اهداف و آرمان‌های ایشان را در ابعاد مختلف به نسل جدید معرفی کرد.

تحلیل ماهیت انقلاب اسلامی

در گفت‌وگو با آیت‌الله سیدمحمد موسوی‌جنوردی

ایران، رئیس جمهوری امریکا است. در این شرایط هیچ کدام از احزاب ملی، اطلاعاتیه و اعلامیه‌ای ندادند این در حالی است که این احزاب بنا بر رسالت‌شان باید نسبت به این موضوع واکنش نشان می‌دادند. همین واکنش امام(ره) سبب شد تا همان شب ایشان را به ترکیه تبعید کنند.

امام خمینی(ره) از دهه ۴۰ فعالیت‌های خود را آغاز کردند و انقلاب نهایتاً در اواخر دهه ۵۰ محقق شد، براین اساس، نقش سایر جریان‌های فکری که با مبارزات امام(ره) هم‌زمان شد را چقدر پررنگ می‌بینید؟

جریان‌های دیگری نیز در پیروزی انقلاب تأثیر داشتند اما «دین» هدف سیاسی آنها نبود؛ مبارزه با استعمار، استبداد، ظلم و... اهدافی بود که آنها دنبال می‌کردند. اما آنچه امام(ره) را از بقیه این جریان‌ها متمایز می‌کرد، مبارزه با همه اینها در کنار «دعوت به اسلام» بود. این در حالی است که ۹۰ درصد مردم ایران، مسلمان بودند و بر تأسیس «حکومت اسلامی» تأکید داشتند.

به اعتقاد شما دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی چیست؟

معتمد که «خدا» و «مردم» دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی هستند. دو واژه «خدا» و «مردم» در سخنان امام خمینی(ره) بسامد بالایی دارد. پس اساساً، حکومت اسلامی مبتنی بر رأی مردم است و باید مطابق قوانین اسلامی باشد. واقعیت این است که نظام جمهوری اسلامی از مترقی‌ترین نظام‌های حقوقی دنیا است چراکه مبتنی بر رأی مردم است. از این رو، امام(ره) در هر تصمیمی به رأی مردم مراجعه می‌کردند؛ شاید در هشت مورد، ایشان به رأی مردمی رجوع کردند، نخست اسم نظام بود؛ اینکه مردم باید مشخص کنند که آن را «جمهوری اسلامی» یا «جمهوری دموکراتیک» یا «جمهوری اسلامی دموکراتیک» بنامند و نظر ایشان بر «جمهوری اسلامی» بود و بیش از ۹۰ درصد از مردم به «جمهوری اسلامی» رأی دادند.

همچنین ایشان «قانون اساسی» را پس از

ادامه از صفحه اول

دیدگاه‌های امام(ره) درباره تأسیس نظام جمهوری اسلامی، تحرک عجیبی در عراق ایجاد کرد که طی آن، تمام جوان‌های عراق به حرکت در آمده، احزاب اسلامی شکل گرفتند و نهایتاً انقلاب علیه حزب بعث صورت گرفت. واقعیت این است که ریشه این انقلاب، بیانات امام(ره) در کتاب «حکومت اسلامی» بود. قضیه به همین جا خاتمه نیافت و پس لرزه‌های آن را بعدها در کشورهایی همچون لیبی، الجزایر، لبنان و سوریه نیز شاهد بودیم که همه برآمده از آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران و بیانات حضرت امام(ره) بود.

براین اساس، مردم این کشورها و بویژه عراق، با کنار زدن صدام، کوشیدند تا بیشتر قوانین خود را بر اساس اسلام پیش برند و از این رو، کسانی که به‌عنوان متصدی امور در جامعه منصوب می‌شدند نیز از اقشار متدین و انقلابی بودند.

رژیم پهلوی ۶۰ سال در جهت نفی و طرد اسلام‌گرایی، از هیچ کوششی فروگذار نکرد، چه شد که پس از ۶ دهه مبارزه این رژیم با جریان‌های اسلام‌گرا، نهایتاً گفتمان اسلامی پیروز شد؟

ملت ایران، ملت مسلمانی است. ۹۰ درصد مردم ایران متدین و متعهد هستند اما تا آن زمان کسی همچون حضرت امام(ره) قیام نکرده بود که شجاعانه و رسماً در مقابل حکومت پهلوی بایستد و از درخواست مردم برای ایجاد حکومت اسلامی سخن بگوید.

آن زمان، چند قرارداد بسته شد، یکی از آنها «معاهده کاپیتولاسیون» بود که معمولاً کشورهای استعماری با کشورهای مستعمره‌شان می‌بندند. این قرارداد را محمدرضا پهلوی با امریکا بست و مقرر شد که تمام امریکایی‌ها در ایران مصونیت داشته باشند و دادگاه ایران حق رسیدگی به جرایم آنها را نداشت. یگانه کسی که در برابر این قرارداد ایستاد، شخص امام(ره) بودند و رسماً اعلام کردند که امریکا بداند امروز مبعوض‌ترین فرد نزد ملت

طیبه فراهانی

حجت‌الاسلام عبدالله میثمی سال ۱۳۳۴ در شب سیزدهم رجب در خانواده‌ای متدین در شهر اصفهان متولد شد. برای نامگذاری نوزاد به قرآن مراجعه کرده و با الهام از آیه شریفه «قال انی عبدالله اتانی الکتاب و جعلنی نبیا» نامش را عبدالله می‌گذارند. مادرش می‌گوید: «همیشه با بسم‌الله شیرش دادم و سعی داشتم حتی المقدور با وضو باشم. در موقع شیر دادن ذکرهای مختلف از جمله «یا حسین مظلوم» می‌گفتم. عبدالله از کودکی مؤدب به آداب دینی تربیت شد و از شش سالگی رو خوانی قرآن را آغاز کرد و برخی سوره‌های کوچک را حفظ می‌کرد.» بعد از طی کردن دوره ابتدایی و دبیرستان به دلیل علاقه به علوم دینی به همراه برادرش به حوزه علمیه رفت و به فراگیری علوم دینی پرداخت.

یکی از دوستانش می‌گوید: «درمحل ایشان را می‌دیدیم که بی‌آلایش و با دوچرخه‌ای خیلی ساده رفت و آمد می‌کرد. در بدو امر هر کسی که ایشان را می‌دید و به ظاهر ایشان اکتفا می‌کرد فکر می‌کرد که یک آدم ساده و معمولی و دنبال کار و زندگی خود است. اما در نتیجه برخورد و صحبت متوجه می‌شد که با یک روح بلند و یک انسان واقعاً استثنایی روبه رو است.

نخستین برخوردی که من با ایشان داشتم با آن اخلاق خدایی و جذاب خود مرا مجذوب کرد. من با اینکه قبلاً ایشان را در محل دیده بودم ولی

تدوین، به رأی مردم گذاشتند. نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز براساس انتخابات آزاد و رأی مردم انتخاب شدند، رئیس جمهوری هم همینطور؛ به تعبیری، تمام گزینه‌ها و تشکیلات حساس در نظام جمهوری اسلامی بر «رأی مردم» استوار می‌شد. نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر آرای مردم است و مردم سرنوشت خود را تعیین می‌کنند.

چرا انقلاب کردیم و چه بسترهای اجتماعی، سیاسی و تاریخی در آن زمان وجود داشت که زمینه‌ساز انقلاب شد؟

شاه، دیکتاتوری بود که با بستن قراردادهایی همچون کاپیتولاسیون مرتب ملت ایران را تحقیر می‌کرد. امام خمینی(ره) نخستین کسی بود که استعمار را کوبید و آزادی، استقلال و تعالی را برای کشور به ارمان آورد و این کشور را به‌عنوان کشوری مستقل به دنیا معرفی کرد که زیر بار ظلم و ستم نمی‌رود. دنیا، امروز، نظری متفاوت از گذشته به ایران دارد و ما را به‌عنوان یک کشور مترقی و عدالت‌خواه می‌شناسند.

از برخی تحلیلگران شنیده می‌شود که انقلاب ایران پدیده‌ای زود رس بود. پاسخ شما به این قضاوت چیست؟

انقلاب ایران دارای ریشه‌های محکم و عمیقی است. زندان‌های ما در دهه‌های ۵۰ از زندانیان سیاسی پر بود. سید محمد کاظم جنوردی، برادر من ۱۵ سال در زندان بود و با انقلاب آزاد شد. ۱۵ سال قبل از انقلاب، حزبی را تحت عنوان «حزب ملل اسلامی» تشکیل داده بودند و اعضای آن، سال‌ها در زندان بودند. بنابراین از این افراد بسیار بودند که در جریان انقلاب هم حضوری فعال داشتند. به این اعتبار ما نمی‌توانیم انقلاب را به یک پدیده زود رس تعبیر کنیم. انقلاب اسلامی اتفاقاً ریشه‌های عمیق و عقبه محکمی داشت و امام خمینی(ره) به این جریان‌ها جرعه زد و ما امروز یک کشور مستقل و متعهد هستیم که نظامش، نظام دموکراسی است.

از نظر شما آرمان‌های امام و انقلاب تاکنون

یادی از شهید عبدالله میثمی

به دلیل گرایش به علوم دینی به همراه برادر شهیدش حجت‌الاسلام رحمت‌الله میثمی و شهید حجت‌الاسلام مصطفی ردانی‌پور به قم هجرت می‌کند تا از دریای بیکران دانش در حوزه علمیه بهره گیرد.

آن سه یار با هم به مدرسه حقانی (شهیدین فعلی) وارد می‌شوند و هر سه با هم در حجره‌ای سکونت می‌گزینند. حجره‌ها دو نفره بوده و شهید قدوسی اصرار داشت که یکی از آنان به حجره دیگری منتقل شود اما آنان با هم عهد کرده بودند همه جا با هم باشند. وی از همان دوران طلبگی با مطالعه روزنامه و مجلات اخبار و مطالب سیاسی و اجتماعی روز را پی می‌گرفت و در این گونه امور صاحب رأی و نظر بود. شهید میثمی به دلیل فعالیت سیاسی در همان دوران طلبگی دستگیر می‌شود. ساواک او را همراه شماری از طلاب مبارز به کمیته مشترک ضد خرابکاری تهران منتقل کرده و با تمام قوا سعی می‌کند تا اطلاعات تازه‌ای از وضعیت مبارزان مسلمان کشف کند لیکن مقاومت دلیرانه او سبب می‌شود که کوچک ترین اطلاعاتی نتوانند به دست آورند. وی به دنبال مبارزات قهرمانانه امت اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) همراه سایر زندانیان سیاسی آزاد می‌شود و به فعالیت‌های مختلف در راستای تحکیم نظام تازه تأسیس جمهوری اسلامی مشغول می‌شود.

شهید میثمی پس از انقلاب ابتدا به کار تعلیم و تربیت می‌پردازد و با تشکیل سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی به این نهاد انقلابی می‌پیوند و ضمن کار و فعالیت در سپاه از تبلیغ دین هم غافل نمی‌شود. با شروع جنگ تحمیلی به جمع رزمندگان می‌پیوندد و به عنوان عضو دفتر نمایندگی امام خمینی (ره) تلاش و مجاهدت در میدان‌های نبرد را برعهده می‌گیرد و در عملیات فتح المبین، محرم و... حضور می‌یابد. پیش از او برادر و یار عزیزش شیخ رحمت‌الله میثمی و سردار رشید اسلام حجت‌الاسلام ردانی‌پور به فیض شهادت نائل می‌شوند و او مصمم به ادامه راه آنها در جبهه‌ها باقی می‌ماند.

شهید میثمی صالح‌ترین کار را در شرکت در جبهه می‌دانست، لذا می‌گوید: «هیچ گاه برای جبهه آمدن تردید نداشته‌ام و فقط گاهی با خود می‌گفتم که آیا در جبهه غرب بهتر می‌توان خدمت کرد یا در جبهه جنوب تا سرانجام جبهه جنوب را انتخاب و راهی جنوب شدم.» سرانجام همان‌طور که خود نیز پیش‌بینی کرده بود و به دوستانش خبر داده بود: «من در این عملیات (کربلای ۵) اجر خودم را از خدا می‌گیرم.» هنگامی که در تاریخ ۶۵/۱/۱۹ سحرگاهان، آن زمان که دلباختگان جمال محبوب، برای مناجات با خدای خویش مهیا می‌شوند، وعده الهی تحقق یافت و در منطقه عملیاتی کربلای ۵، از ناحیه سر مورد اصابت ترکش قرار گرفت و بعد از سه روز در ۱۲ بهمن (مصادف با شب شهادت حضرت زهرا(س)) به دیدار معبود و میهمانی اولیای خدا شتافت و به آرزوی دیرینه خود نائل شد.

فلسفه و تعلیم و تربیت در دانشگاه ایندیانای امریکا و سپس در سال بعد در دانشگاه تنسی امریکا، مدتی به تدریس پرداخت.

استاد علاوه بر بالغ از ۵۰ مقاله علمی که در مجلات و نشریات علمی کشور به چاپ رسیده، ۲۴ جلد کتاب نیز اعم از تألیف و ترجمه از خود به یادگار گذاشته است که بعضی از آنها، چندین بار تجدید چاپ شده است. از جمله این آثار است:

۱- تعلیم و تربیت اسلامی؛ ۲- جامعه و تعلیم و تربیت؛ ۳- روانشناسی تربیتی؛ ۴- شناخت؛ ۵- مکتب های فلسفی، مبانی علوم؛ ۶- نقدی بر فلسفه مادی دیالکتیکی؛ ۷- اصول تعلیم و تربیت؛ ۸- انقلاب فرهنگی و آزادی دانشگاه؛ ۹- رسالت دانشگاه و تعهد روشنفکر؛ ۱۰- مقدمه روانشناسی؛ ۱۱- اصول فلسفه و تعلیم و تربیت؛ ۱۲- تئوری تحقیق؛ ۱۳- شیوه های فکر؛ ۱۴- تفکر منطقی؛ ۱۵- سیاست و خردمندی (خاطرات)...

استاد دکتر علی شریعتمداری با کوله باری از علم و دانش، تلاش و کوشش، یکی از چهره های ماندگار عصر ما است که در ۹۳ سالگی به تاریخ ۲۰ دی ماه ۱۳۹۵ در شیراز درگذشت و به رحمت حق پیوست. * * *

... این خلاصه ای از خاطرات شادروان دکتر علی شریعتمداری بود که در فصلنامه «تاریخ و فرهنگ معاصر» منتشر گردید و خوشبختانه مجموعه کامل آن خاطرات، با حفظ امانت در نقل، از سوی انتشارات رسا، تحت عنوان «سیاست و خردمندی» چاپ و منتشر شده است که مطالعه آن برای علاقمندان به تاریخ معاصر، بسیار مفید خواهد بود.

حجت الاسلام منذر نگاه پدیدارشناسانه به تاریخ داشت

ادامه از صفحه اول

مرحوم ابوالحسنی به هر جا توجه کرده، نسبت آن مطلب را به دین در نظر داشته است. حتی در بررسی احوال فردوسی، به اعتقادات او توجه کرده است. درباره صفویه هم که می‌نویسد، از همین منظر نگاه می‌کند و چه مبارک که کسی حوادث تاریخی را از منظر دین ببیند و از عهده برآید و با سعه صدر این کار را انجام بدهد که به نظر من مرحوم ابوالحسنی از عهده برآمده است. از جمله کارهایی که در باره مشروطیت کرده که به نظر من کار درخشانی است، البته همه آثار ایشان خوب است.

بار اول که به منزل مرحوم لنکرانی رفتم، متوجه شدم که کوچه ایشان به نام شیخ فضل‌الله نوری است و هر بار که نام وی را می‌برد، «روحی له الفدا» می‌گفت. من تا پیش از آن، عمق ارادت مرحوم لنکرانی را نسبت به مرحوم شیخ فضل‌الله نمی‌دانستم. مسئله شیخ فضل‌الله نوری هنوز هم مسئله پیچیده‌ای است و چندان روشن نیست، گرچه مرحوم ابوالحسنی از کسانی است که بر این مسئله نور تابانده است.

اهمیت شیخ فضل‌الله در این بود که مشروطه را می‌شناخت و آقای ابوالحسنی به درک و فهم شیخ فضل‌الله نوری از دوران خود رسیده بود. اینکه ما نظر شیخ فضل‌الله را بپذیریم یا نپذیریم یک مطلب سیاسی و موضوع دیگری است، اما درک تاریخی چیز دیگری است.

آقای ابوالحسنی بی‌علاقه به سیاست نبود، اما در درجه اول یک عالم محقق و دانشمند بود و حیف بود که به این زودی از میان ما برود و ما از آثار بسیار مهمی که می‌توانست بنگارد، محروم شویم.

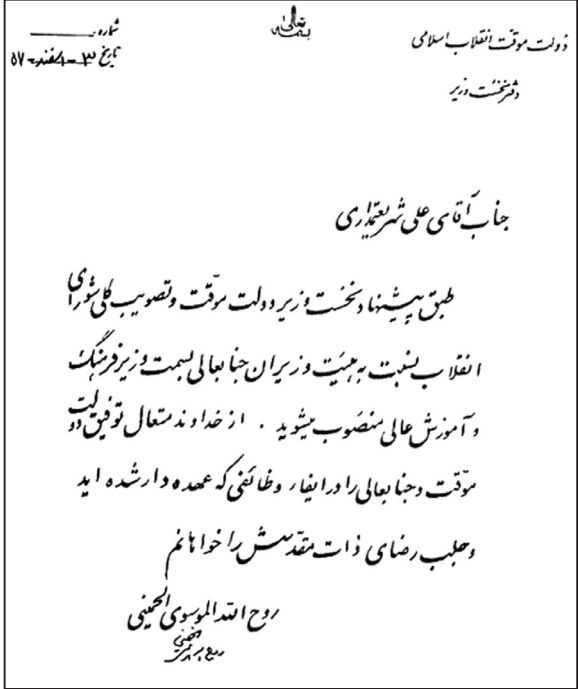
بخشد و همگام با پیروزی انقلاب اسلامی، همراه دوستان دیگر از جمله مرحوم دکتر کاظم سامی، «حزب جاما» را – که ادامه همان حزب مردم ایران بود – تشکیل می‌دهد... اما با انتخاب وی به عنوان «وزیر فرهنگ جمهوری اسلامی» در دولت موقت، از کار حزبی دور می‌شود. حکم انتخاب دولت موقت که با امضای امام خمینی تنفیذ شده بود، چنین بود:

بسمه تعالی
دولت موقت انقلاب اسلامی
تاریخ ۳/ اسفند ۵۷
دفتر نخست وزیر
جناب آقای علی شریعتمداری
طبق پیشنهاد نخست وزیر دولت موقت و تصویب کلی شورای انقلاب نسبت به هیئت وزیران، جنابعالی به سمت وزیر فرهنگ و آموزش عالی منصوب می‌شوید. از خداوند متعال توفیق دولت موقت و جنابعالی را در ایفاء وظایفی که عهده دار شده اید و جلب رضای ذات مقدسش را خواهیم.

روح الله الموسوی الخمینی (امضا)
... پس از استعفای دولت موقت، مسئولیت وزیران نیز خاتمه می‌یابد و از آن تاریخ به بعد، دکتر شریعتمداری به طور تمام وقت وارد میدان فعالیت های علمی، فرهنگی و دانشگاهی می‌گردد و در همین راستا ریاست بعضی از نهادهای فرهنگی جدید را به عهده می‌گیرد... که همگان با آنها آشنایی دارند.

آثار و تألیفات

علی شریعتمداری در سال ۱۳۰۲ در شیراز در یک خانواده روحانی به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی خود را در آن شهر به اتمام رساند و در سال ۱۳۳۲ با کسب رتبه اول در رشته فلسفه و علوم تربیتی و اخذ دانشنامه لیسانس در رشته علوم قضائی از دانشکده حقوق دنشگاه تهران، در سال ۱۳۳۵ با بهره گیری از بورس تحصیلی به امریکا رفت و در دانشگاه های میشیگان و تنسی ادامه تحصیل داد و در عرض چند سال موفق به اخذ درجۀ دکتری در رشته فلسفه تعلیم و تربیت موفق گردید و علیرغم درخواست اساتید خود، برای اقامت در امریکا و تدریس در چند دانشگاه معتبر و تدریس در دانشگاه تنسی، او در سال ۱۳۳۸ با اینکه تعهدی هم برای بازگشت نداشت، به ایران آمد و نخست در سال ۱۳۳۹ به تدریس در دانشگاه شیراز پرداخت اما به علت گرایش های سیاسی از کار برکنار شد و به زندان رفت و پس از آزادی به درخواست رئیس دانشگاه اصفهان،



به آن شهر رفت و به تدریس پرداخت و مدت ها ریاست و یا سرپرستی بعضی از دانشکده های شیراز و اصفهان را به عهده داشت و پس از انتقال به تهران در دانشگاه تربیت معلم مشغول تدریس شد و در سال های ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۶ به عنوان استاد مدعو

ریشه یابی کرد و عوامل اصلی شکست را بررسی کرد که به نظر من در رأس آن ها اختلاف دو جناح بود و هر دو اشتباهاتی را مرتکب شدند. و تهمت و افترا هم به رهبران نهضت به نظر من دور از عدل و انصاف است و با سوابق مبارزاتی آن ها هم سازگار نیست...» * * *

بازنشستگی غیرقانونی!

پیش از این مراحل و تشکیل «حزب رستاخیز» که قرار بود همهٔ مردم، به ویژه دانشجویان به عضویت آن درآیند! در دانشگاه اصفهان به او پیشنهاد می‌شود که به عضویت حزب درآید ولی دکتر شریعتمداری نمی‌پذیرد و این استنکاف را ساواک گزارش می‌کند! و با احضار وی به ساواک و اخطار به اینکه باید عضویت حزب را بپذیرد، او همانطور که در گزارش های ساواک آمده است، باز پاسخ منفی می‌دهد و می‌گوید:

به ریاست ساواک استان اصفهان
شماره: ۳۲۲/۴۴۶
از اداره کل سوم (۳۲۳)
تاریخ: ۵۴/۲/۱۷
نخست وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
درباره دکتر علی شریعتمداری رئیس دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان بازگشت به شمارهٔ ۵۴۴۷۲/۲۱۰ - ۵۴/۵/۸
خواهشمند است دستور فرمایید نتیجه تحقیقات معموله مبنی بر مخالفت نامبرده بالا با حزب رستاخیز ملی ایران را صریحاً به این اداره کل اعلام تا تصمیمات لازم در مورد وی اتخاذ گردد.
مدیر کل اداره سوم - ثابتی
از طرف
دقیقاً تحقیق و نتیجه گزارش شود
۲/۲۴

تیمسار ارتشبد ریاست معظم ساواک ۳۲۳
۱۰/۵۸۱۳
ساواک استان اصفهان
۵۴/۲/۲۸
دکتر علی شریعتمداری، رئیس دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان بازگشت به ۳۲۲/۴۴۶ - ۵۴/۲/۱۷
منظور از نظریه جمعه در گزارش خبر ۱۰/۵۴/۷۲ هـ ۵۴/۲/۲۸ گزارش خبر شماره ۱۰/۵۴۴۸ هـ ۲ - ۵۴/۲/۱۱ می‌باشد، ضمناً تحقیقات معموله نیز حاکی است نامبرده بالا در حزب رستاخیز ملت ایران نام نویسی نموده است و در مذاکره دوستانه اظهار داشته است تمام دنیا و کشورهای مترقی به من احتیاج دارند نخواسته باشند، از کشور می‌روم. به نظر این ساواک یکی از مزایای بسیار بزرگ تشکیل حزب رستاخیز این است که این نوع عناصر شناخته می‌شوند و طرز فکر و ماهیت آن ها مشخص می‌گردد.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان اصفهان. تقوی
به علت همین موضع گیری ها، ساواک مرکز از اصفهان می‌خواهد که توسط دانشگاه حکم بازنشستگی استاد شریعتمداری را صادر و ایشان را از کار برکنار کند و هشدار می‌دهد که اگر دانشگاه نمی‌تواند این کار را انجام دهد، رأساً از طریق وزارت علوم اقدام شود!... و بدینترتیب حکم بازنشستگی غیرقانونی صادر و ابلاغ می‌گردد!

در وزارت فرهنگ و آموزش عالی

... در مراحل بعدی هم دکتر شریعتمداری به فعالیت های خود ولو به طور انفرادی، استمرار می‌بخشد و همگام با پیروزی انقلاب اسلامی، همراه دوستان دیگر از جمله مرحوم دکتر کاظم سامی، «حزب جاما» را – که ادامه همان حزب مردم ایران بود – تشکیل می‌دهد... اما با انتخاب وی به عنوان «وزیر فرهنگ جمهوری اسلامی» در دولت موقت، از کار حزبی دور می‌شود. حکم انتخاب دولت موقت که با امضای امام خمینی تنفیذ شده بود، چنین بود:

یا اصولاً در آن موقع مخالفت خود را به شکل دیگری ابراز می‌داشتند یا خودشان را از صف این ها جدا می‌کردند. به نظر من همین جدا نکردن، سبب شد که در جامعه منزل ایشان متزلزل بشود و متأسفانه مردم آنطور که باید و شاید به سوابق ایشان توجهی نکردند و همان اندکی اختلاف سبب شد ایشان وجهه خود را از دست بدهد. خود آقای دکتر مصدق هم بی‌اشتباه نبود و فکر می‌کرد می‌توان به آسانی قدرت را حفظ کرد. در روز ۲۷ مرداد با این که در ۲۵ مرداد شاه به دست نصیری می‌خواست کودتایی بکند و فرستاده بود که دکتر مصدق را توقیف بکند بعد که معلوم شد نصیری توقیف شده و به شاه اطلاع دادند، شاه فرار کرد به بغداد. اشخاصی هستند که فقط نان را به نرخ روز می‌خورند و توجهی ندارند. شاه وقتی فرار کرده بود، رفته بود از این جا به بغداد اتفاقاً در آن موقع پادشاه عراق ملک فیصل دوم رفته بود خارج از بغداد و بنا بوده که در همان زمان برگردد به بغداد و وارد فرودگاه شود. فرودگاه را بسته بودند وقتی هواپیمای شاه از نوشهر با خسروداد و خاتم که هر دو خلبان شاه بودند با فرودگاه بغداد تماس می‌گیرند که یک مهمان عالیقدری! هست و هر چه التماس می‌کنند و اصرار، آن ها قبول نمی‌کنند. بالاخره بعد از التماس و اصرار آن ها در یک گوشه از فرودگاه هواپیمای آن ها فرود می‌آید. بعد این ها را در یک انباری نگه می‌دارند و بعد ملک فیصل می‌آید و از فرودگاه می‌رود به قصر سلطنتی. ظاهراً به او گفته بودند شاه ایران آمده و او هم اعتنایی نکرده بود. در این موقع شخصی به نام مظفر اعلم کسی بود که در کودتای منحوس رضاخان این حدیث معروفی که درباره حضرت علی هست در مورد رضا مطرح کرده بود که «حرکت رضا من کودتا افضل من عبادۀ سبعین سنۀ!» همین آقا سفیر ایران در بغداد بوده و موقعی که محمدرضا شاه وارد بغداد می‌شد، چون از طرف وزارت امور خارجه دستور داده بودند که از شاه استقبال نکنید همین آقا از شاه استقبال نکرده بود. شاه از بغداد به رم می‌رود. ثریا در شرح حال خود نوشته که وقتی رفتیم به رم، ما در یک رستوران بودیم، من گفتم حالا ما چه کار کنیم؟ محمدرضا گفت که یک مزرعه ای در آمریکا می‌خریم و به زراعت مشغول می‌شویم، بعد می‌گوید در همین حین که نشسته بودیم یک مرتبه تلگرافی از ایران آمد. روز ۲۸ مرداد بود. شاه در تلگراف خواند که ارتش قیام کرده! شاه از حال رفت بعد که حالش جا آمد، مدیر هتل را خواست و گفت که مصاحبه مطبوعاتی تشکیل دهد و من اعلی حضرت همایونی و شاهنشاه هستم. به هر حال این حوادث که رخ داد، متأسفانه گناه را به گردن آیت الله کاشانی و فدائیان اسلام انداختند و دیگر اشتباهات و غفلت هایی که شده بود فراموش شد. مثلاً روز ۲۷ مرداد واحد نظامی در اختیار دکتر مصدق نبود تیپ زرهی بود که فرمانده اش سرهنگ اشرفی بود، اما او فرماندار نظامی بود و از ستاد خودش خبر نداشت. آمدند معاونش را که سرهنگ علیمحمد روحانی بود با یک عده از افسرهای دیگر تیپ زرهی، پولی آمریکایی ها دادند به این ها، و روز ۲۸ مرداد که اغلب خیال می‌کردند سرهنگ اشرفی به نفع مصدق می‌آید، اصلاً تیپ زرهی از دست اشرفی خارج شده بود و به دست معاونش افتده بود و علیمحمد روحانی آمد و تیپ زرهی را به نفع شاه به میدان کشید. و بنده خودم در روز ۲۸ مرداد در میدان امام (توپخانه) دیدم بعضی از درجه داران ارتش با بعضی از زنان که می‌گفتند زنان بدکاره هستند، آمده بودند آن جا یک تختی گذاشته بودند و یک سگی زیر پتو روی تخت گذاشته بودند و وضع دکتر را نشان می‌دادند. هی جاوید شاه جاوید شاه می‌گفتند و مردم هم سکوت می‌کردند بعد یک عده ای رفتند رادیو را گرفتند و بعد هم خیلی ساده بعد از ظهر حکومت نظامی اعلام شد و مردم را سوار اتوبوس ها می‌کردند که آقا بروید منزلتان. در واقع زاهدی بدون هیچ مقاومتی نه از سوی مردم و نه ارتش، روی کار آمد و پیروزی خود را از طریق رادیو اعلام کرد... خوب نمی‌توان این مسئله را به چند نفر خاص نسبت داد، باید

سیاسی - اجتماعی - فرهنگی
۶ بهشت ◄ شماره ۲۳
جهان اسلام ◄ شماره مسلسل ۱۵۴۱
پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

گسترش فرهنگ اسلامی در خاورمیانه به فاصله اندکی بعد از وفات پیامبر اسلام(ص) زمینه شکل گیری مکاتب و نحله‌های گوناگون مذهبی، فکری و فلسفی را در جهان اسلام فراهم کرد. هر کدام از این نحله‌ها و گرایش‌های مذهبی راهکارهایی را برای ساختن دنیایی بهتر از منظر خود ارائه دادند. بعدها دو شاخه برجسته شیعی و سنی‌نمایندگان اصلی تفکر اسلامی در فضای آن روزگار تا به امروز شدند.

هرکدام از این شاخه‌ها گرچه در اصول تفاوت چندانی با هم نداشتند، اما در برخی از فروعات دینی و نوع تلقی‌شان نسبت به مسائل پیرامونی و تعاملات اجتماعی با همسلکان و جریان‌های غیر همسو، مسیرهای جداگانه‌ای را برگزیدند.

بررسی سابقه تاریخی نشان می‌دهد که جریان‌های شیعی بجز عده‌ای معدود مثل جریان اسماعیلیه و هواداران حسن صباح همزیستی مسالمت‌آمیزی را با گروه‌های اجتماعی تجربه کردند.

مهم‌ترین دلیل اتخاذ چنین رویکردی بر مبنای مدارا، ریشه در تفسیرها و برداشت‌های فکری این جریان نسبت به متون دینی و سنت نبوی دارد. نبی از اقدامات خرابکارانه و تروریستی بویژه در دوران انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نهضت اسلامی و ملی مردم ایران به رهبری امام خمینی در ایران تبلور ویژه داشت. در دوران مبارزات انقلابی در کنار گروه‌های چپ و جریان‌هایی که گرایش‌های چپگرایانه داشتند، ترور برخی از شخصیت‌های منتسب به رژیم پهلوی امری عادی و در راستای فعالیت‌های مبارزاتی تلقی می‌شد، اما امام‌خمینی معمار بزرگ انقلاب ترور شخصیت‌ها را به لحاظ شرعی و دینی نفی می‌کردند و به هیچ وجه به گروه‌های همسو با جریان‌های مذهبی اجازه چنین اقدامی را نمی‌دادند.

به موازات حرکت‌های فکری، فرهنگی و سیاسی جریان‌های شیعی، فرق مختلف اهل سنت نیز ضمن تاکید بر احترام به همنوع و هم‌کیش چنین رویه‌هایی را در پیش گرفتند، اما در عین حال برخی

از عالمان سنی بواسطه برخی تلخکامی‌های ناشی از حوادث سیاسی و تاریخی به تفاسیری از دین روی آوردند که رگه‌های نیرومندی از بنیادگرایی داشت. چنین انگاره‌هایی در کنار برحق دانستن برداشت‌های تفسیری خود از دین و گروندگان به چنین قرائتی، ضمن ابراز انزجار و نارضایتی نسبت به هر نگاه غیراسلامی، سایر گروه‌های مسلمان را که با آنها همسو نبودند نامهربانانه نواختند و حتی با زبان تهدید با آنان سخن گفتند.

در میان علما و رهبران فکری اهل سنت بیش از همه احمد بن حنبل نگاه سختگیرانه‌تری نسبت به دین داشت اما به این معنا نبود که او خشونت فرقه‌ای را به پیروانش تجویز کند.

با این وصف، ادامه‌دهندگان مکتب فکری‌اش در دوره‌های بعد و چهره‌های شاخص برآمده از آن، مثل ابن‌قیم جوزی و ابن‌تیمیه بر شیپور تفرقه دمیدند و گروه گروه از مسلمانان را به عنوان خارج‌شوندگان از دین معرفی کردند.

چنین افکاری گرچه در دوره‌های همعصر تفکرات این چهره‌ها از رونق چندانی برخوردار نبود، اما این نگاه در دوره‌های بعد، از سوی برخی از قدرت‌های محلی برای گسترش و نفوذ منطقه‌ای‌شان مورد توجه قرار گرفت.

در کنار این مساله، تهاجم خارجی و تسلط قدرت بیگانه بر بخش‌هایی از جهان اسلام نیز مزید بر علت شد تا کسانی که سعی داشتند خود را بیگانه‌ستیز وانمود کنند تجمعات پراکنده‌ای را در گوشه و کنار ممالک اسلامی شکل دهند.

این عده‌البته برای تقویت بنیه فکری و فرهنگی خود دست به تاسیس مدارس و مکاتب دینی زدند. یکی از این مدارس، نهادی بود که در روستایی در شمال غربی شهر دهلی به نام «دیوبند» بنیان نهاده شد.

در آن روزگار، بریتانیا بر هندوستان سیطره داشت. مسلمانان شبه‌قاره که از تعدی و ظلم ماموران بریتانیایی به ستوه آمده بودند، حرکت‌های اعتراضی خود را آغاز کردند. یکی از معروف‌ترین قیام‌های مسلمانان به نام میروت در سال ۱۸۵۷ میلادی بنیان‌های حاکمیت کمپانی هند شرقی را متزلزل کرده بود، اما سرانجام دلپذیری نداشت.

۱۰ سال بعد از این ماجرا، در روستای دیوبند مدرسه دینی کوچکی به نام دارالعلوم تاسیس شد و کمی بعد رشد و گسترش پیدا کرد.

پیدایش این حرکت فرهنگی، واکنشی به شکست

قیام میروت بود. بعد از سرکوب این قیام بسیاری از علمای دینی که نقش تحریک‌کننده علیه کمپانی هند شرقی داشتند، به کشورهای اطراف تبعید شدند. ایجاد این مدرسه و شعب آن باعث شد برخی از دانش‌آموختگان دینی این مکان را محلی مناسب برای تکاپوهای فرهنگی خود قرار دهند.

مدرسه برای استقلال مالی، از طلاب و دانش‌آموزان شهریه دریافت می‌کرد و بعدها این موضوع باعث شد هویت مستقل مدارس دیوبندی تضمین شود. رویکردهای نوین آموزشی و به‌کارگیری روش‌های جدید برای علم‌آموزی، ایجاد کتابخانه‌ای با منابع غنی و دایر شدن سالن سخنرانی در این مدارس، اهالی منطقه را با سازوکارهای نوین آموزشی آشنا کرد. همین مساله گسترش قابل توجه دارالعلوم دیوبند و ایجاد مدارس دیگر در شهرهای هندوستان را در پی داشت.

گرایش دیگری که در آن زمان در هند نفوذ داشت جریان فکری سید احمدخان هندی و پیروانش بود که قرائتی جدید از اسلام همراه با دیدگاه مسالمت‌جویانه با استعمارگران بریتانیایی ارائه می‌کرد.

بر مبنای این تفکر، منازعه میان مسلمانان و بریتانیایی‌ها ضرورتی نداشت و آنها در کنار هم می‌توانستند به زندگی و فعالیت خود ادامه دهند. چنین رویکردی از سوی استادان و دانش‌آموختگان مکتب دیوبند با شدت رد شد.

در میان علمای فکری و فرهنگی دیوبند «شاه ولی‌الله دهلوی» بیش از دیگران شهره بود. دیوبندیان خود را وامدار اندیشه‌های شاه ولی‌الله می‌دانستند.

تشکیل امارات اسلامی یا حاکمیت یکپارچه اسلامی از اندیشه‌های بجا مانده او بود که نظر بسیاری از گروه‌های دیوبندی و غیر دیوبندی را به خود جلب کرده بود. در دوره‌های بعد همین تفکر، مبنای مبارزه میان مسلمانان هند و استعمار بریتانیا قرار گرفت و بعدها هم زمینه همکاری نکردن مسلمانان با مهاتما گاندی و جدایی پاکستان از هند را فراهم آورد.

گرچه همین مساله بعدها اختلاف میان برخی از علمای دیوبندی هند و پاکستان را در پی داشت. دیوبندی‌های هند در کنار برداشت‌های سنتی از اسلام موافق برخی از ذائقه‌های صوفی‌مسلکانه بودند، اما دیوبندی‌های پاکستان با تصوف سر

نگاهی به ریشه‌های فکری بحران‌های امنیتی در جهان اسلام

ناسازگاری داشتند.

با این که در هند علمای مسلمان برجسته‌ای بودند و جنبه‌های علمی و فرهنگی مورد تاکید قرار می‌گرفت، این حرکت در قالب شاخه‌ای منشعب از مکتب دیوبندی هند به همراه برخی از گرایش های صوفیانه در قالب مکتب بریلوی ادامه پیدا کرد. اما دیوبندیان پاکستان قرائت سختگیرانه‌تری از اسلام را آغاز کردند و اقدام به تاسیس گروه‌های شبه‌نظامی و سازمان‌های ستیزه‌گر کردند و حرکت و تلاش آن رنگی و بویی فرقه‌ای پیدا کرد.

همین جریان بعدها باعث تقویت جنبه جهاد در درگیری‌های میان شوروی و افغانستان شد و گروه‌هایی که تحت عنوان جهادی در افغانستان حضور پیدا می‌کردند عمدتا متأثر از افکار علمای دیوبندی پاکستان و جریان وهابی شکل گرفته در شبه جزیره عربستان بودند. تاکید بر مولفه جهاد زمینه شکل‌گیری گروه طالبان را فراهم آورد.

در حال حاضر عمده‌ترین گروه‌های وابسته به مکتب دیوبندی در پاکستان عبارتند از: «جمعیت العلمای اسلام»، «جمعیت اهل حدیث» و «سپاه صحابه». این سه جناح، متعلق به مکتب دیوبندی و دارای عقاید مشابه و شعارهای یکسان و حامیان خارجی واحدی هستند.

فعالیت دیوبندی‌ها در پاکستان و تاسیس مدارس متعدد که در دوره حاکمیت ژنرال ضیاءالحق تشدید شد باعث شد برخی از جریان‌های وهابی مقیم ایران نیز از آن تاثیر بپذیرند و بخشی از آنان برای تحصیل به مدارس دیوبندی پاکستان بروند. بازگشت این عده به ایران که تفسیرهای سختگیرانه علمای این مدارس را پذیرفته بودند باعث تقویت بن‌مایه‌های افراطی برخی از دانش‌آموختگان ایرانی این مدارس شد.

از سویی دیگر، تزریق منابع مالی، بسط دیدگاه‌های افراطی، گسترش روابط شبکه‌ها با جریان‌های وهابی عربستان و علمای افراطی پاکستان برخی از فعالیت‌های خرابکارانه و ستیزه‌جویانه در ایران بویژه بخش‌هایی از سیستم و بلوچستان را رقم زد.

شکل‌گیری گروه‌های تروریستی مثل سپاه معاویه، جندالله، جیش‌العدل، انصارالقرآن و … تا حدود زیادی متأثر از تفکرات علمای مکاتب دیوبندی است.

جام جم آنلاین – فتاح غلامی

تلاش عربستان برای بقای «اسرائیل»

بالایی در میدان موفقیت‌هایی کسب کرده که همچنان این موفقیت در واقعیت سوریه ادامه دار و مشهود است.

در رابطه با ترکیه باید گفت که آنکارا زبان‌های بسیار شدیدی به دلیل مواضع خود در مسأله سوریه دریافت کرده است. اقدامات خرابکارانه‌ای که تکفیری‌ها در ترکیه به آنها دست زده‌اند از این جمله است و به این موضوع، بحران کودتا را نیز باید بیفزاییم. ترک‌ها همچنین برای قبولاندن دیدگاه سیاسی خود به دیگران درباره سوریه تاکنون کم توفیق و ناتوان بوده‌اند.

همه این موارد سبب شده است که ترکیه در ضعیف‌ترین جایگاه منطقه‌ای قرار بگیرد و بر این اساس پذیرفته که یکی از صاحبان ابتکار عمل گفت‌وگوهای آستانه به همراه روسیه و ایران باشد. این اقدامات اخیر ترکیه به دلیل موضع ضعف بوده و من معتقدم که اگر شروط ترک‌ها آنگونه که مایل بودند محقق می‌شود، گزینۀ آتش بس در سوریه را به تأخیر می‌انداختند تا موفقیت‌های میدانی کسب کرده و از آنها به عنوان برگ برنده در برابر رقبای منطقه‌ای استفاده کنند.

آینده جنگ در یمن را چگونه ارزیابی می‌کنید و چرا عربستان سعودی پس از گذشت حدود ۲ سال از آغاز تجاوز به این کشور و با

وجود عدم دستیایی به اهداف از پیش تعیین شده خود، به شکست اعتراف نمی‌کند؟

به اعتقاد من، محال ممکن است که ملت یمن شکست را پذیرا شود و ببذیرد که عربستان سعودی زمام امور این کشور و سرنوشت آن را در دست گیرد. ملت یمن به کرامت، استواری، استقامت و ایثار مشهور بوده و طولانی شدن جنگ این حقایق را سر سوزنی تغییر نمی‌دهد. اگر سعودی‌ها به دنبال این هستند که ملت یمن را به ستوه آورده و خسته کنند و پس از آن به اهداف خود در جنگ دست پیدا کنند، باید گفت که آنها در وهم و خیال به سر می‌برند.

ائتلاف سعودی در جنگ علیه یمن، همه نوع جنایت از قبیل کشتار کودکان و زنان، هدف قرار دادن بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها و تخریب زیرساخت‌های عمومی را در این کشور تجربه کردند، اما طرح آنها برای خسته کردن و از پا در آوردن یمنی‌ها موفق نشد. از دیگر سو شاهد بودیم که افسران و سربازان بسیاری از عربستان و ائتلاف همراه با آن در جنگ یمن کشته شدند و البته نباید از ذهن دور داشت که آنها با تکیه بر مزدورانی که از کشورهای گوناگون با پول آورده‌اند، جنگ یمن را پیش می‌برند. ما به عربستان سعودی توصیه می‌کنیم که از تجاری که در یمن به دست آورده استفاده کرده و عبرت بگیرد.

جامعه حضور داشته باشد و این تداوم، تداوم وجود اهل بیته (ع) پیامبر اکرم (ص) است.

آیت الله اراکی گفت: حضرت زهرا (س) در مسجد مدینه پس از بیان معارف الهی و توحیدی که گنجینه معرفتی عظیمی را به ما منتقل می کند در خصوص اسلام و نظام اسلامی سخن گفتند و پس از این مقدمه آهی از دل کشیدند که همه مسجدیان و حاضران گریستند و پس از آرام شدن مجلس فرمودند که می دانید که من فاطمه هستم؛ این جمله کوتاه بسیار عظیم بود چون مردم به جایگاه حضرت مطلع بودند.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب با ذکر این مطلب که زمانی که دستور آتش زدن خانه حضرت زهرا (س) داده شد مردم گفتند که در این خانه حضرت زهرا (س) است، حتی نگفتند که در این خانه امام علی (ع) حضور دارد، تصریح کرد: یکی از جهات مرتبط به حضرت آن است که همه می دانستند که فاطمه (س) همان رسول الله است و همه شنیده بودند که کسی که فاطمه را آزار دهد من را آزار داده است چون پیامبر بارها و بارها این جملات را بیان کردند.

مراسم تودیع و معارفه ریاست دانشگاه مذاهب اسلامی

دانشگاه مذاهب اسلامی یک مقوله اساسی برای نظام مقدس جمهوری اسلامی، رهبر معظم انقلاب اسلامی و مجمع تقریب مذاهب اسلامی در شرایط کنونی است.

وی افزود: بازخوانی مکرر و مجدد این دانشگاه یکی از ضروریتهایی است که باید در دستور کار مطالعاتی و برنامه ای قرار گیرد.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی در ادامه با اشاره به پیشینه این دانشگاه گفت: این دانشگاه ابتدا از درون اندیشه ناب مقام معظم رهبری برخاست و مرحوم واعظ زاده نقش مهمی در پرورش این اندیشه داشت.

حجت الاسلام والمسلمین محمد حسین مختاری رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی نیز با اشاره به خصیصه های برجسته دانشگاه مذاهب اسلامی، گفت: وجهه مشترک دینی و آکادمیک از ویژگیهای برجسته این دانشگاه است.

وی افزود: این دو وجهه، دانشگاه مذاهب اسلامی را نسبت به دیگر دانشگاهها متمایز می سازد؛ در واقع این دانشگاه هم از جهتی به حوزه ارتباط دارد و از جهتی دیگر به مراکز دانشگاهی و آکادمیک.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی با بیان این که در بحث متون درسی برنامه ویژه ای داریم، گفت: تشکیل کمیته ای تحت عنوان تالیف و تدوین کتب درسی در دستور کار است؛ دانشگاه مذاهب اسلامی می تواند یک نظریه پرداز مهم برای مجمع تقریب باشد و نمی تواند جدا از این مجمع فعالیت کند و آیت الله اراکی با توجه به سوابق درخشان دانشگاهی و حوزوی می تواند کمک شایانی بکنند.

دکتر گلرو معاون اجرایی مجمع تقریب نیز در سخنانی در این مراسم تاکید کرد: امیدواریم روند تغییرات و اصلاحات در مجمع تقریب در دانشگاه نیز انجام شود و تغییرات جدید باعث اصلاح و تغییر در وضعیت فعلی دانشگاه شود.

وی افزود: در سالهای اخیر با مدیریت خوب آیت الله اراکی موج تغییر و اصلاح را که لازمه عصر جدید جهان اسلام است در مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی شروع شده است و این روند را در دانشگاه نیز شاهد خواهیم بود.

آیت الله اراکی:

استمرار نبوت با حضرت زهرا (س) و اهل بیت (ع) صورت گرفت

فراگیر اسلامی اهل ولایت نیز از سوی همین آل محمد انجام می شود و یک امت به الگوی همه امت ها مبدل می شود.

وی افزود: جامعه پیرو امام اهل بیت (ع) امت وسطی می شود که همه امت ها به این امت اقتدا خواهند کرد؛ سوال دیگری در اینجا بوجود می آید که این وجود محمدی (ص)، چگونه به وجود امامتی مستمر و پایدار در جامعه بشری مبدل می شود و این وجود امامتی اهداف رسالت را محقق می کند. دبیرکل مجمع جهانی تقریب تاکید کرد: در اینجا حلقه وصلی وجود دارد که محمد (ص) را به آل محمد (ص) تبدیل می کند؛ خداوند در قرآن کریم بیان کرده است که ما نوح را برگزیدیم ولی در خصوص حضرت ابراهیم و عمران از لفظ آل استفاده می کند زیرا در این بین زنی وجود دارد که ابراهیم به آل ابراهیم مبدل می کند و این زن در آل محمد (ص) حضرت زهرا است.

وی افزود: سلسله ذریه پاک تا روز قیامت برقرار است و امامت اهل بیته (ع) را در جامعه بشری همیشگی می کند و همه این مباحث به برکت وجود و حضرت حضرت زهرا (س) است؛ بر اساس مبانی قرآنی وجود مقدس پیامبر باید تا ابد در

هر کسی که من را به خشم آورد خدا را آزار داده است به همین مبنا است.

وی افزود: وجود رسالتی رسول اکرم باید در جامعه بشری پایدار بماند؛ با این وجود رسالتی است که رابطه جامعه با خداوند پایدار می شود؛ وجود پیامبر اکرم سبیل الله محض است؛ جامعه ولایتی دبیرکل مجمع جهانی تقریب تاکید کرد:

شخصیت رسالتی پیامبر اکرم تا روز قیامت در جامعه حضور دارد؛ این شخصیت رسالتی تامین کننده جامعه ولایتی است؛ رسولش را با نظام راهنما فرستاد تا چتر حاکمیت او تمام جامعه بشری را فراگیرد.

وی با بیان اینکه وجود رسول اکرم (ص) در سراسر تاریخ ساری و جاری و مستمر است، اظهار داشت: سوال این است که این استمرار از چه جایگاهی شکل می گیرد؟ این استمرار محمد (ص) از طریق آل محمد (ص) است؛ به همین دلیل وجود رسول اکرم تا قیامت در جامعه بشری حضور دارد. آیت الله اراکی در ادامه اظهار داشت: جامعه عدل الهی فراگیر، همین تداعی وجود پیامبر در وجود آل محمد (ص) است و مرحله تاسیس جامعه

به گزارش خبرگزاری تقریب، آیت الله «محسن اراکی» دبیرکل مجمع جهانی تقریب در مراسم شهادت حضرت زهرا (س) در حرم مطهر حضرت معصومه (س) با اشاره به آثار معیت پیامبر (ص) در دنیا گفت: شرح و تفسیر معیت با رسول ولایت و نظام ولایتی است.

وی افزود: غم بزرگ حضرت زهرا (س) آن بود که این دستاورد بزرگ محمدی (ص) در معرض نابودی قرار گرفت و صدمه خورد؛ البته این سرمایه هیچ گاه از بین نرفت زیرا حافظ این دستاورد همچنان در جامعه حضور داشت؛ وجود پیامبر اکرم (ص) وجود شخص نیست بلکه شخصیت است؛ شخص رسول اکرم فانی در شخصیت ایشان است.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب گفت: قرآن کریم بیان می کند که سراسر رسول اکرم شخصیت رسالتی او است و همه چیز او فانی در رسول خدا بودن است؛ همچنین قرآن بیان می کند که اگر کسی بخواهد رسول خدا را بشناسد از حضرت زهرا (س) این شخصیت را بشناسد.

آیت الله اراکی اظهار داشت: خشم و عشق و غضب و حب حضرت پیامبر اکرم (ص) الهی است؛ اینکه ایشان فرمودند که کسی که حضرت زهرا (س) را به خشم آورد من را به خشم آورده و

ائمه جمعه اهل سنت آذربایجان غربی تاکید کردند

حضرت زهرا (س) الگوی مشترک شیعه و سنی است

کرد و گفت: زنان جامعه اسلامی برای تربیت فرزندان خود باید آن حضرت را الگوی زندگی خود قرار دهند.

خلیفه زاده قناعت و سادگی را از ویژگی های دخت گرمی اسلام برشمرد و گفت: آن بانوی بزرگوار همیشه به ظرفیت های همسرش توجه داشته و روزی نبوده که توقع نابجا و نامعقولی از حضرت علی (ع) داشته باشد.

امام جمعه بوکان با بیان اینکه با بررسی و تحلیل شخصیت حضرت زهرا (س) در ابعاد مختلف می توان مسیر درست زندگی را شناسایی کرد، تصریح کرد: حضرت زهرا (س) عالی ترین جلوه های عبودیت را به نمایش گذاشت و تنها راه دستیابی به راز سعادت، الگوگیری از مکتب او است.

امام جمعه اهل سنت شاهین دژ هم گفت: جامعه به ویژه بانوان باید بیش از پیش سیره حضرت فاطمه (س)، آن یگانه بانوی اسلام را در بحث عفاف و حجاب در زندگی خود الگو قرار دهند. ماموستا حاصل بالقچی اظهار کرد: الگو قرار دادن زهرای مرضیه در تمام شئون زندگی تکلیف است زیرا آن بانوی بزرگوار در دوران زندگی کوتاه خود تجارب موفق را به بشریت آموخت.

وی با بیان اینکه زندگی کوتاه اما با برکت حضرت فاطمه الزهرا (س) درس های بزرگی از بخشش، پاکدامنی، عفاف، متانت، صبر و تابع ولایت بودن را برای همه ما به یادگار نهاده که نشان از شخصیت ممتاز این بانوی پاک دو عالم است، افزود: حضرت فاطمه (س) نماد پاکی، عفت، الگو و گوهری ناب برای بانوان مسلمان است.

امام جمعه اهل سنت شاهین دژ با اشاره به اینکه اهل بیت طبق اراده خداوند از هر آلودگی پاک هستند، تصریح کرد: محبت اهل بیت بر همه مسلمانان و مومنان واجب است چرا که آنها شجره نبوت و منبع رحمت هستند.

وی با اشاره به ابعاد شخصیتی حضرت فاطمه زهرا (س)، افزود: دختر نبی مکرم اسلام (ص) و همسر امیرمؤمنان (ع) است که از دامان پاک او شخصیت های ممتاز و منحصر بفردی نظیر امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و بانوی صبر عالم یعنی حضرت زینب (س) و حضرت ام کلثوم (س) پرورش یافتند، بهترین الگوی بانوان عالم است.

ائمه جمعه اهل سنت آذربایجان غربی تاکید کردند: اهل بیت و حضرت فاطمه زهرا (س) الگوی مشترک شیعه و سنی هستند.

به گزارش خبرگزاری تقریب از ارومیه، امام جمعه پیرانشهر اظهار کرد: حضرت فاطمه زهرا (س) در ایفای نقش فرزندی برای پیامبر اسلام (ص)، در ایفای نقش همسرمداری برای امام علی (ع) و نیز در ایفای نقش مادری برای اهل بیت پیامبر اسلام (ص) الگو و اسوه ای حسنه برای تمام بانوان هستند.

ماموستا مصطفی محمودی اظهار کرد: حضرت فاطمه زهرا (س) از جایگاه والایی در نزد خداوند متعال و پیامبر اکرم (ص) برخوردار بودند و بانوان باید با الگوگیری از رفتار و کردار این بانوی بزرگوار در راه خدمت به اسلام و در جهت تربیت فرزندان صالح گام بردارند.

وی با بیان اینکه اهل سنت نسبت به اهل بیت محبت و مودت دارند و این جزء اعتقاد آن هاست، تصریح کرد: از دیدگاه اسلام، قرآن و حدیث نبوی، شخصیت حضرت فاطمه (س) در جهان یک نمونه بی بدیل و بی نظیر است از این رو برای داشتن جامعه سالم و عاری از معصیت باید به روش و شیوه زندگی حضرت فاطمه زهرا رجوع کرد و خصوصیات اخلاقی وی را در زندگی الگو قرار داد.

امام جمعه پیرانشهر ادامه داد: اگر وجود مقدس پیامبر فرموده است که «فاطمه پاره تن من است» یعنی حضرت زهرا (س) با اعمال و رفتار پاک و شایسته اش و دفاع از ولایت اوج کمال و شایستگی خود را به حدی از مرحله اعلا رساند که نبی مکرم اکرم اسلام این چنین از ایشان تمجید به عمل آوردند. امام جمعه بوکان نیز گفت: زنان جامعه اسلامی در ابعاد مختلف زندگی، سیره و روش بانوی بزرگوار اسلام را مقتدا و الگوی خود قرار دهند.

ماموستا عبدالرحمان خلیفه زاده در گفت و گوی اختصاصی اظهار کرد: حضرت فاطمه (س) فرزندان را پرورش داد که به فرموده خداوند و پیامبر اسلام جوانان اول بهشت هستند و خداوند و پیامبر بزرگوارش احترام و تکریم این خاندان را بر همه مؤمنین تکلیف کرده اند.

وی حضرت فاطمه (س) را در تعلیم و تربیت فرزندان و همسرمداری نمونه ای بی نظیر توصیف



مراسم تودیع و معارفه ریاست دانشگاه مذاهب اسلامی در سالن شهید ماموستای این دانشگاه برگزار شد.

آیت الله محسن اراکی دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در سخنانی در این مراسم با اشاره به جایگاه مهم دانشگاه مذاهب در سطح جهان اسلام، تصریح کرد: دانشگاه

مذاهب اسلامی باید زمینه تمدن نوین اسلامی را طراحی کند.

وی افزود: دانشگاه مذاهب اسلامی دانشگاهی معمولی نیست بلکه یک پروژه عظیم در سطح نظام است و نظام باید از این پروژه عظیم حمایت کند.

دبیرکل مجمع تقریب در ادامه گفت: دانشگاه مذاهب اسلامی با توجه به مقدمات خود نباید از دانشگاههایی چون جامعه المصطفی که از افتخارات جمهوری اسلامی است عقب بماند؛ باید خیز مناسبی برداشته شود تا دانشگاه در عیار بالایی قرار گیرد و بتواند در سطح داخلی و جهانی گسترش پیدا کند.

حجت الاسلام والمسلمین محسن قمی معاون امور بین الملل دفتر مقام معظم رهبری نیز در سخنانی در این مراسم اظهار داشت: مسلمانان با توجه به جمعیت و موقعیت و نیروی انسانی موجود می توانند در آینده بشری تاثیرگذار باشند و به جای این که به مسائل بی اهمیت مشغول باشند برای ۱۰۰ سال آینده برنامه ریزی داشته باشند.

وی با اشاره به رسالت دانشگاهیان، علما و اندیشمندان در این راستا، تصریح کرد: دانشگاه مذاهب اسلامی با توجه به امکانات خود اعم از اساتید و دانشجویان باید بهترین مسیر را برای رسیدن به امت واحد ببیماید.

معاون امور بین الملل دفتر مقام معظم رهبری در ادامه تاکید کرد: این دانشگاه با این انگیزه شکل گرفت تا فرهنگ سازی امت واحد را تقویت کند و این نیاز اصلی جامعه اسلامی است.

حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی رئیس سابق دانشگاه مذاهب اسلامی نیز در سخنانی در این مراسم با تقدیر از کمک های مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به دانشگاه، تاکید کرد:

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

سردبیر: سید محمود خسروشاهی

نشانی: قم / خیابان شهدا (صفائیه) / نبش ممتاز

تلفکس: ۰۲۳۱۴۲۳۷۴۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

کلبه شروق: www.ketab.ir/shorogh

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

شماره‌های نشریه بهشت

از سال ۱۳۸۲ به بعد، در سایت مرکز

بررسی‌های اسلامی به نشانی: www.iscq.ir

در دسترس می‌باشد

جدیدترین شماره «خیمه»

با موضوع دهه‌های عزاداری

منتشر شد

ماهانامه خیمه در شماره ۱۲۰ از یک سو با حجت‌الاسلام ناصر رفیعی به عنوان مخالف دهه سازی گفت‌وگو کرده و از طرفی به سراغ حجت‌الاسلام معاونیان از موافقین و مروجین دهه‌های عزاداری مصاحبه کرده است.

حجت‌الاسلام رفیعی در بخشی از گفت‌وگویش با نقد مروجین دهه‌سازی گفته است: همانطور که در اسلام مرز شکنی حرام است، مرز تراشی هم حرام است، ما نباید حدود را بشکنیم و نباید حدود را بتراشیم، اگر قرار بود که در جریان داستان حضرت زهرا (س) و شهادت حضرت محسن (ع) یک برنامه‌ای باشد، ائمه تأکید می‌کردند و می‌گفتند، قرار نیست که ما بیاییم و به خاطر این مناسبت‌ها برای مردم زحمت ایجاد کنیم.

حجت‌الاسلام حامدرضا معاونیان نیز با رد کردن نظر مخالفان معتقد است: هیاهویی به پا شده و همه هیاهو هم متمرکز است در عزاداری دهه محسنیه؛ یعنی از صفر تا نه ربیع و گر نه کدام دهه بوده است که ساخته شده؟ ما مجموع عزاداری‌ها را جمع زدیم، رسید به نود و پنج روز، بگویم صد روز... یک روز بر سر عریان شدن در هیئت‌ها دعواست یک روز بر سر گریستن، هرروز اختلاف جدیدی. مهم نیست؛ یک نفر می‌خواهد لخت شود یک نفر نمی‌خواهد. اختلاف سلاقی را محترم بشماریم تا زمانی که وارد محدوده حرام نشدیم. این دگماتیزم و استبداد به رأی است که من بگویم حق همین است که من می‌گویم و هر کس هرچه غیر از چیزی که من می‌گویم بگوید او منحرف است.

گزارشی از جلسه شرح صحیفه سجاده‌ی آیت‌الله فاطمی نیا و سرکشی به مسجدالرسول (ص) و دیدار با آیت‌الله قوچانی از دیگر مطالب خواندنی این شماره خیمه است.

ماهانامه خیمه را از دهه‌های مطبوعاتی منتخب و فروشگاه اینترنتی خیمه nashrekheime.ir خریداری کنید و یا از طریق سایت‌های اشتراک eshtarak.ir و مگایران magiran.com مشترک شوید و یا نسخه الکترونیکی نشریه را در سایت taaghche.ir مطالعه کنید.

گزارشی جامع درباره کتابخانه آستان حضرت معصومه علیها السلام

کمک متخصصین امر در حوزه اخلاق سازمانی جهت تدوین جزوات مطالعاتی و با رویکرد بومی سازی مطالب کتب با اقتضات آستان مقدس، تولید محتوای پژوهشی با عنوان رصد نما، مطالعه تطبیقی با استفاده از سایر کارهای مشابه اجرا شده (رصد نمای تهیه شده در مورد موزه ی آستان مقدس)، شناسایی افراد خبره در حوزه فعالیت های پژوهشی و تشکیل گروه پژوهشی رصد نما، شروع استخراج محتوای اصلی از سایت های تمامی کتابخانه های معتبر جهان، تولید کتب ویژه کودکان با رویکرد شناخت حرم مطهر و شناسایی افراد خبره در حوزه های ادبی و هنری جهت شروع فرآیند طراحی و داستان نویسی از فعالیت هایی که صورت گرفته و توانسته است اثرات و برکات زیادی را به دنبال داشته باشد.

مسئول کتابخانه آستان مقدس با تبیین فعالیت های اجرایی در کتابخانه آستان مقدس گفت: میزبانی از مدیران مرکز چاپ و نشر قرآن کریم در کتابخانه آستان مقدس، برگزاری دوره ضمن خدمت «نرم افزار پارس آذرخش» برای کارکنان کتابخانه و اسناد، راه اندازی کار فهرست نویسی کتابخانه پس از تعطیلی چند ماهه، فعال نمودن صندوق های انتقادات و پیشنهادات در بخش های خواهران و برادران و رسیدگی به نظرات ارائه شده و درخواست های مخاطبان، ایجاد و راه اندازی سالن جلسات با عنوان اندیشکده به منظور برگزاری نشست ها و کارگاه های مختلف با ابزار و امکانات موجود در کتابخانه، هماهنگی تشریفات مورد نیاز جهت بازدید از کتابخانه برای افراد حقیقی، حقوقی و نهاد های مختلف همچون انجمن کتابداران، کارشناسان، اساتید حوزه کتابداری و میهمانان ویژه، خرید کتب از نمایشگاه بین المللی کتاب و انتقال به چرخه کتابخانه، هماهنگی و اعزام سفیران کریمه از اعضاء ثابت کتابخانه به شیر خوار گاه صدف، تدوین فرآیند کاری واحد نشریات و واگذاری آن به یکی از کتابداران در بخش خواهران و برادران، پیگیری جهت راه اندازی کتابخانه ی تخصصی حضرت فاطمه معصومه (س) و پیگیری امور جهت راه اندازی کتابخانه تخصصی انقلاب اسلامی از جمله اقدامات مهمی است که انجام شده است.

وی افزود: غنی سازی کتابخانه روشندلان با خط بریل، ایجاد کتابخانه ویژه حرم در رواق خواهران و برادران، ارائه خدمات جدید کتابخانه ای، ایجاد اتاق مطالعه با صنعت های جدید دنیا، ایجاد نمایشگاه کتب خطی، فضا سازی و پاکسازی کتابخانه از آلودگی بصری و فیزیکی و صوتی، ایجاد تلفن گویا جهت رفع مشکلات بار ترافیکی تماسها، اعزام کتابدار به اماکن و کتابخانه های مختلف، تجهیز کتابخانه های اقماری وابسته به آستان مقدس از دیگر فعالیت هایی است که صورت گرفته است.

۱۰۰ جلدی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی گفت: کتاب های اهدایی آیت الله جنتی تعداد ۱۲۱۲ جلد، اهدای ۲۶۱ جلد کتاب از آثار علامه طهرانی از سوی انتشارات مکتب وحی، اهدای ۱۳۸۰ جلد کتاب از سوی مجمع جهانی اهل بیت (ع)، اهدای ۱۸۴۵ جلد از دکتر شجاعی رئیس دانشگاه علم و صنعت و اهدای بیش از ۴۰۰۰ هزار جلد کتاب از سوی افراد ناشناس از اقدامات انجام شده در راستای غنی سازی کتابخانه آستان مقدس می باشد.

وی با اشاره به فعالیت واحد گنجینه قرآن کتابخانه آستان مقدس اظهار داشت: در این بخش نیز اقداماتی از قبیل شرکت در جلسات همفکری با مدیران و کارشناسان مدیریت فرهنگی و هنری آستان و خارج از آستان، حضور گنجینه قرآن در نمایشگاه قرآن تهران در ماه مبارک رمضان، پیگیری انعقاد تفاهم نامه و قرارداد همکاری بین مرکز طبع و نشر با مرکز فرهنگی و هنری آستان، پیگیری انعقاد یک قرارداد با مرکز طبع و نشر برای تحقیق و بررسی روی دو قرآن خطی متعلق به آستان، پیگیری تصویربرداری از این نسخ و ارسال به تهران، هماهنگی با مدیر دارالکتابه برای کتابت قرآن در روز میلاد حضرت معصومه، هماهنگی و جلسه برای مراسم کتابت قرآن در حرم مطهر، جداسازی و ارسال تعدادی قرآن برای نگهداری در مجموعه نفایس گنجینه، دیجیتالی کردن کتاب فهرست قرآن ها انجام شده است.

حجت الاسلام صادقی با تبیین لزوم مهارت افزایی کارکنان کتابخانه در راستای خدمات رسانی بهتر به مراجعین گفت: طرح کارگاه های آموزش تخصصی ضمن خدمت ویژه کارکنان، بررسی مطالعاتی و جستجوی اینترنتی در خصوص کارگاه های تخصصی به روز و مفید جهت مهارت افزایی کارکنان، تدوین طرح نامه کارگاه های آموزشی ضمن خدمت تخصصی کارکنان، تدوین طرح نامه در حوزه خدمات فرهنگی قابل ارائه در کتابخانه، تدوین طرح جامع خدمات فرهنگی قابل ارائه در کتابخانه با زیر شاخه های (کارگاه های علمی و ترویجی برای مخاطبین کتابخانه، جلسات نقد، بازدید های علمی در داخل کتابخانه ویژه مخاطبین و...)، تدوین طرح نامه مختصر «بهبود خدمات رفاهی کتابخانه» و تدوین طرح کارگاه های مشارکتی ویژه کارکنان و مخاطبین با همکاری مجموعه پارس آذرخش از جمله اقداماتی که در شش ماهه نخست سال انجام شده است.

وی در ادامه با اشاره به نهادهای جدید سیر مطالعاتی کارکنان کتابخانه آستان قدس اظهار داشت: اجرای سیر مطالعاتی برای کارکنان، جستجوی اطلاعاتی در خصوص سیرهای مطالعاتی مفید و موجود، جهت اجرا در بین کارکنان، تدوین طرح نامه ی سیر مطالعاتی، استخراج کتب با

حجت الاسلام سید محمد صادقی آرمان در گفت و گو با خبرگزاری «حوزه» با تشریح وضعیت کتابخانه آستان مقدس و با اشاره به فعالیت واحد خواهران در خصوص فهرست نویسی در کتابخانه گفت: با نظر به ماهیت فهرست نویسی بنیادی کتاب و مدت زمان مصروفه جهت اجرای آن با شروع به کار مجدد فهرست نویسی تا کنون ۵ کتاب به صورت بنیادی ثبت شده است. (فهرست نویسی بنیادی به مفهوم اینکه کتابهای مورد نظر در سایتها و بانکهای اطلاعاتی نبوده و فهرست نویسان خودشان موضوع و رده مورد نظر را به کتاب اختصاص داده‌اند).

وی در خصوص تالار قفسه باز واحد خواهران اظهار داشت: به طور نسبی مجموع مراجعان به تالار قفسه باز در شیفت صبح به تعداد ۲۹۱۵۰ نفر و در شیفت عصر ۱۴۸۵۰ نفر بوده است. و مجموع رف چینی (بازبینی قفسه‌ها از نظر چینش، رده های اشتباه و ...) انجام شده طی چهار ماه ۱۷۳۷ قفسه بوده است.

حجت الاسلام صادقی در ادامه با اشاره به موضوعاتی در این شش ماهه بیشتر مورد توجه مراجعین خواهر گرفته است گفت: مجموع کتابهایی که در موضوع اسلام در شش ماه استفاده شده است به تعداد ۹۸۴۳ نسخه می باشد و مجموع کتابهایی که در موضوع علوم متفرقه در شش ماه استفاده شده است به تعداد ۷۴۸۵ نسخه می باشد.

وی با اشاره به اصلاحات ساختاری در واحد خواهران کتابخانه آستان مقدس گفت: طراحی کاربرگ رف چینی تالارهای قفسه‌باز، به منظور نوشتن تعداد قفسه‌های رف چینی شده و میزان جابه جایی کتب در هر رف چینی، رف چینی سیدی ها در مخزن اصلی، رف چینی قفسه کتب امانی در مخزن اصلی، امانت، جستجو و کتابخانه دیجیتالی در نرم افزار پارس آذرخش، وارد نمودن نسخه‌ها در نرم افزار و همچنین ثبت‌رزی و لیبل‌رزی کتب از جمله اقدامات این واحد بوده است.

مسئول کتابخانه در ادامه با اشاره به تعداد مراجعین خواهر به کتابخانه اظهار داشت: به طور میانگین روزانه حدود ۱۸۰ نفر در سالن های کتابخانه حضور پیدا می کنند که به علت محدودیت مکانی امکان پذیرش بیشتر وجود ندارد که البته در آینده نزدیک با افتتاح سالن جدید و تجهیز امکانات مورد نیاز این تعداد تا ۲۵۰ نفر خواهد رسید.

وی افزود: راه اندازی سیستم های جدید سخت افزاری و نرم افزاری، برگزاری کارگاه های تخصصی و آموزشی، برگزاری جلسات نقد در اندیشکده و معرفی کتاب از جمله فعالیت های بخش واحد خواهران کتابخانه آستان مقدس می باشد.

مسئول کتابخانه آستان مقدس در ادامه با اشاره فعالیت واحد برادران و نهضت اهدای کتاب بیش از

سایه سار زینب (س)

در معرفی این کتاب آمده است:

از آنجا که تمام کلمه‌ها در برابر عظمت شهیدان و مجاهدان مدافع حرم کوچک است. قلم را می‌شکنیم و سکوت پیشه می‌کنیم و دل به حکایت‌های این کتاب می‌سپاریم تا ما را با خود به عالم بافته شده از تار و پود راستگویی، ایثار و عشق و علاقه به حضرت زینب کبری (س) برند.

گروهی از پژوهشگران مرکز آثار شهیدان، در بخش فعالیت‌های رسانه‌ای، این حکایت‌ها را به صورت مستقیم از روایان جمع‌آوری کرده‌اند تا تحفه‌ای باشد برای هر آن کس که «مقاومت» را دوست دارد و می‌خواهد بخشی از شخصیت شهدای آن را بشناسد. شهدایی که به عهدشان وفا کردند و شعار بازماندگان‌شان، همچنان «لبیک یا زینب» است.

معرفی دو کتاب از انتشارات آرما



کتاب «سایه سار زینب (س)» توسط موسسه رسالات لبنان گردآوری و تدوین شده و نشر آرما آن را در ۱۶۰ صفحه قطع رقعی با قیمت ۸۰۰۰ تومان منتشر کرده است.

غزه از بازگشت می نویسد

گردآوری: رفعت العرعیر

مترجم: امیر حسین حیدری

«آنچه که از انسانیت ناب، ترحم و مبارزه جویی

جوانان فلسطین در این مجموعه از داستان های کوتاه می خوانیم گواه انعطاف پذیری، مقاومت و زیبایی مردمی است که در هر نقطه ای از جهان مورد خشونت و ظلم قرار گرفته اند.

نویسندگان این داستان ها، جوانان بیست ساله ای هستند که اگرچه صدای بمب و گلوله و برنامه های حامدانه اسرائیل برای آن ها همراه تک تک لحظات زندگی آن ها بوده است اما داستان هایشان به ما می آموزد که چگونه باید روحی تسخیر ناپذیر و اراده ای ناگسستگی داشت. این جوانان در حقیقت نسل بعدی نویسندگان و اندیشوران فلسطینی هستند.

باید صدای آن ها را قوت بخشیم، مسیر را برایشان هموار سازیم، داستان هایشان را بخوانیم و راهشان را ادامه دهیم.»

خرید آنلاین کتب آرما از سایت

http://4s00oq.ir